# تئاتر

نشریه بیست‌و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاترفجر

شماره ششم

۷ بهمن ۱۳۸۸


## نامزدهای مسابقه نمایش‌های رادیویی و تلویزیونی

گزارشی از آخرین روز برپایی بازار تئاتر ایران

## خریداران فرهنگ و هنر ایرانی از بازار تئاتر خداحافظی کردند

سیدجواد جعفری، مدیر کل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خراسان رضوی:

## چشم‌اندازی از بالندگی تئاتر در استان خراسان رضوی

## مواظب بلیت‌های تقلبی باشید

دکتر فرانکشتاین -عکس:مهدی حسنی

# اعتراض وارد نیست!

علی‌اکبر عبدالعلی‌زاده

دوستان اعتراض می کنند که چرا امسال نشریه روزانه تا این حد چشمگیر به بخش بین الملل پرداخته است ؟ چرا از ۲۴صفحه هرشماره بیش از ۸ صفحه بطور ثابت درقالب ترجمه و آثار بخش بین الملل به این بخش تعلق دارد ؟چرا علاوه برهمه این ها در میان اخبار ، عکس ها و صفحات گزارش نیز سهم ثابت و قابل توجهی دارد؟

اما با کمال احترام باید بگویم اعتراض وارد نیست ؛ مگر نمی گویند« کار نیکو کردن از پرکردن است»این جمله در زندگی روزمره وتمامی حرفه ها معنی مشخص و غیر قابل تفسیر به غیر دارد ، حتی در حوزه مطبوعات که اصطلاح نا مطلوب صفحه پرکردن به معنی سرهمبندی داریم. ما هم از همان معنی اصلی پند حکیمانه پیروی می کنیم و حاصل پرکارکردن یعنی تجربه اندوزی را در تجربیات تازه به کار می بندیم. ضمن اینکه سعی می کنیم نشریه جشنواره از هر لحاظ پر پیمانه باشد ، تا کم فروشی نکرده باشیم . این روش اگرچه کمی هم تولید دردسر می کند ولی خالی از لطف نیست . لطف اش در همین است که دوستان به بهانه سلام و احوال پرسی و خسته نباشید گفتن ، گله های خودشان را هم مطرح می کنند.ما از این رهگذر با دوستان دیدار تازه می کنیم و اشکالات کارمان را می فهمیم و هم برای آن ها رفع مشکل می کنیم. گرچه برخی موارد هم مانند همین بخش بین الملل جشنواره تئاتر فجرکاربرد متناقض دارد . مثلا توجه نشریه روزانه به بخش بین الملل که به زعم دوستان بی سابقه است ،به عنوان یک ویژگی ، از زمان طراحی نشریه جزو برنامه هایمان بوده ،ولی بسیاری از دوستان آن را بی توجهی به دیگر بخش ها تلقی می کنند که البته درست نیست. جشنواره تئاتر فجر در گستره بین المللی، برنامه ریزی شده و هنرمندان و دست اندر کارانی را از کشور های مختلف پذیرا می شود. بنابراین نشریه جشنواره هم باید براین منطق استوار باشد. بر همین اساس ۴ صفحه ترجمه انگلیسی از چکیده مطالب جشنواره اگرچه سهم قابل توجهی از مجموع صفحات است اما با توجه به میهمانان و هنرمندان خارجی حاضردر جشنواره لازم و ضروری است. ضمن اینکه بخشی از آن ترجمه اطلاعات دیگر بخش‌ها است.

اولویت ویژه بخش بین الملل در صفحات ۹ و۸ هم به همین واسطه است . همچنین صفحات ۱۴ و ۱۵ نیز به تئاتر ملل و نمایش های میهمان این بخش اختصاص دارد.

اینکه بخش بین الملل از صفحه گزارش و خبر بسیار بهره می برد ، به خاطر برگزاری اولین بازار تئاتر ایران ، برگزاری کارگاه و دیگر فعالیت های جنبی این حوزه از جمله مراسم مربوط به موسسه اکو و ... است. لازم است بدانید علی رغم این میزان توجه، شنیده‌ایم مدیر بخش بین الملل جشنواره هنوز هم از پوشش اخبار و اطلاعات این بخش توسط نشریه روزانه راضی نیست و در این مورد به خبرنگاران ما اعتراض می‌کند.

شاید بپرسید پس چرا سال های قبل تا این حد به بخش بین الملل توجه نمی شد ؟ پاسخ اینکه سال های گذشته به دیگر بخش ها هم تا این پرداخته نمی‌شد. چنانچه امسال به نحوی، به تمامی بخش های فعال وآثار حاضردر جشنواره پرداخته ایم. بخش های ایرانی، تئاتر شهرستان ها، تولید متون، چاپ کتاب و پژوهش ، تئاتر خیابانی و... حتی نمایشنامه خوانی که رکن مهم اما کمتر دیده شده سال های قبل است امسال طبق وظیفه مان در بخش گزارش، مصاحبه با داوران و گزارش تصویری مورد توجه قرار گرفته است.

انتشار بیش از چهل عنوان مطلب در هر شماره از نشریه نشان از تلاش نشریه روزانه برای انتقال وسعت کمی و عمق کیفی تلاش برگزارکنندگان، شرکت کنندگان و حضور تماشاگران است. با این توضیح است که می گوییم اعتراض وارد نیست.

تئاتر
نشریه بیست‌و هشتمین
جشنواره بین‌المللی تئاترفجر

**مدیرمسئول**: حسین پارسایی
**سردبیر**: علی‌اکبر عبدالعلی‌زاده
**معاون سردبیر**: مریم فلاح
**دبیر تحریریه و مدیر اجرایی**: عباس عبدالعلی‌زاده
**مدیر هنری**: علی رستگار
**تحریریه**: زهرا شایانفر، رضا آشفته، احمد محمداسماعیلی، علی شمس، بهاره برهانی، سید محسن حسن‌زاده، احسان هوشیارگر، محمدحسین لواسانی، سمیرا محمدی و عسل آذرپور
**معرفی آثار**: رضا آشفته ، سید محسن حسن‌زاده
**ویراستار**: محمد عبدعلی
**برگردان به انگلیسی**: منور خلج
**برگردان به فارسی**: حسین شاکری
**صفحه‌آرا**:مهدی‌میرحسینی
**عکس**: حسن هندی
**با همکاری**: امیر خلوصی و اکبر ترابی
**با همراهی**: مسعود پاکدل، محمدرضا سلطانی
**عکس روز**: رضا معطریان
**با همکاری**: میلاد پیامی، اختر تاجیک، مهدی حسنی، رئوفه رستمی، ناصر عرفانیان، مانی لطفی‌زاده، رضا موسوی و احمد نشان
**آرشیوعکس**: محمد تهرانی
**امورانفورماتیک**: مهدی عبدالعلی‌زاده
**نمونه‌خوانی و تصحیح**: ساعد وثوقی با همکاری فریبا ولی‌نژاد، معصومه مهدوی و بهناز ولی نژاد
**حروف‌نگار**: ساناز صالحی ، علیرضا حسین‌زاده‌نیاری
**ناظر چاپ**: محمد علی بهستانی
**لیتوگرافی و چاپ**: گنجینه هنر
**با سپاس از همکاری**: جلال تجنگی، محمد اطبایی و محمدرسول صادقی
**سایت ایران تئاتر**: www.theater.ir
**سایت بیست‌وهشتمین‌جشنواره بین‌المللی‌فجر**: www.fitf.ir

# حمایت رضا کیانیان از نمایش شهرستان‌ها

**رضا کیانیان و علی عمرانی شب گذشته نمایش «زیرزمین» به کارگردانی نسترن آزاد از شیراز را در خانه نمایش دیدند.**

روابط عمومی خانه نمایش اعلام کرد: «رضا کیانیان در بازدید از نمایش «زیرزمین» در جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر به این نکته اشاره کرد که اگرچه دو جشنواره فیلم و تئاتر همزمان شده است، ولی باید آثار هنرمندان جوانی که از شهرهای دیگر کشور در جشنواره حاضر شده‌اند را دید.» این دو هنرمند نیز از نمایش «زیرزمین» ابراز رضایت کردند.

درحالی که نمایش «زیرزمین» به دلیل محدودیت فضای تالار، تعدادی از تماشاگران خود را پشت در گذاشته بود، دیگر آثار شهرستانی پنجمین روز جشنواره با استقبال پرشور مخاطبان روبه‌رو شد. اجرای «خانه کاغذی» از کرمانشاه در تماشاخانه مهر حوزه هنری و اجرای «موضوع، زمان، مکان» از ماهشهر در کارگاه نمایش نیز با استقبال گسترده مخاطبان روبه‌رو شده بود.«وقتی زمین دروغ می‌گوید» اثر سعید تشکری نیز که در تالار سایه اجرای خود را پشت سر گذاشت، با استقبال خوبی از سوی مخاطبان مواجه شد.

به نظر می‌رسد گروه‌های شهرستانی با چیره شدن بر کمبودهای تئاتر توانسته‌اند آثاری دارای ویژگی‌های تکنیکی قابل توجه در جشنواره فجر امسال داشته باشند.

خبرهای رسیده همچنین حاکی از استقبال پرشور مخاطبان نمایش «اتللو» در تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر است. این نمایش که در بخش مرور به اجرا در آمده است، شب گذشته با تعداد زیادی از مخاطبان روبه‌رو بود که می‌خواستند از در کوچک مجموعه تئاتر شهر وارد شده و این نمایش را ببینند.

# پرکارترین طراح صحنه جشنواره

درحالی‌که یافتن ترین‌های جشنواره یکی از داغ‌ترین خبرها در روزهای جشنواره شده است، نشریه روزانه نیز پرکارترین طراح صحنه جشنواره بیست و هشتم را معرفی می‌کند. مطابق اطلاعات درج شده در کتاب جشنواره رضا شاپورزاده با طراحی صحنه چهار نمایش «کهربا»، «رمولوس کبیر»، «تور عروس» «قتل آقای کاف» پرکارترین طراح صحنه جشنواره بیست و هشتم محسوب می‌شود. پس از او ، منوچهر شجاع با طراحی صحنه «خنکای ختم خاطره»، «عیش و نیستی» و «یکی مثل همه» و رضا مهدی‌زاده با طراحی صحنه «بلوط‌های تلخ»، «شرق غزل» و «داستان یک پلکان» در ردیف طراحان صحنهٔ پرکار قرار دارند.

# انتخاب تماشاگران جشنواره «لیرشاه» و «دکتر فرانکشتاین»

لیرشاه

دکترفرانکشتاین

از نمایش‌های ایرانی «لیرشاه» و «خنکای ختم خاطره» و از بین نمایش‌های خارجی «دکتر فرانکشتاین» و «فانتومیستریا» در رقابتی تنگاتنگ قرار دارند.

نتایج رسیده از ستاد جمع‌آوری آرای تماشاگران در روز پنجم جشنواره که با سقف امتیازدهی۵ و براساس دو شاخصه ظرفیت تالارها و تعداد مخاطبان محاسبه می‌شود، به این شرح است:

| نام نمایش | کارگردان | امتیاز |
|---|---|---|
| لیرشاه | آرش دادگر | ۴/۲۰ |
| خنکای ختم خاطره | نیما دهقان | ۴/۱۵ |
| دخترای ننه دریا | مریم وثوقی | ۳/۵۷ |
| زیرزمین | نسترن آزاد | ۳/۲۸ |
| رمولوس کبیر | نادر برهانی‌مرند | ۳/۲۲ |
| **نام نمایش** | **کارگردان** | **امتیاز** |
| دکتر فرانکشتاین | سالواتوره تراماچره – فابریزیو پوگلیزه | ۲/۷۷ |
| فانتومیستریا | کارگروهی تئاتر نووگوفرونتا | ۲/۱۸ |
| مشدی عباد | جنت سلیم‌آوا | ۲/۱۱ |
| آخرین پر سیمرغ | اشتفان وایلند | ۱/۸۵ |
| مینیونه | آنا شیشکینا | ۱/۷۵ |

# مواظب بلیت‌های تقلبی باشید

**روز گذشته ستاد برگزاری جشنواره تعدادی بلیت تقلبی را از محوطه تئاتر شهر و سالن‌های ایرانشهر کشف کرد. بلیت‌های تقلبی کشف شده شباهت ظاهری با بلیت‌های اصلی دارند و حتی دارای هولوگرام تقلبی هستند.**

ستاد جشنواره با اعلام این خبر افزود: جای نگرانی نیست زیرا مسئولان جشنواره پیشاپیش در مرحله طراحی و چاپ، سه روش برای تشخیص بلیت‌های اصلی پیش‌بینی کرده‌اند. بلیت‌های اصلی از طریق لمس شماره سریال برجسته، تابش نور ماوراءبنفش که باعث نمایان شدن پرزهای نورانی و نورانی شدن آرم پشت بلیت می‌شود، قابل تشخیص است. این درحالی است که بلیت‌های تقلبی کشف شده در طراحی هم تفاوت‌هایی با نمونه‌های اصلی دارد و در آن‌ها از هولوگرام تقلبی چاپ سیلک استفاده شده است. ستاد برگزاری جشنواره پس از کشف بلیت‌ها و برخورد با متخلفان از علاقمندان تئاتر خواست به هیچ وجه خارج از ساختار رسمی فروش، بلیتی را خریداری نکنند، زیرا از این پس مسئولان سالن، بلیت‌ها را از طریق تابش نور ماوراء بنفش کنترل می‌کنند و جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر در قبال بلیت‌های تقلبی هیچگونه مسئولیتی بر عهده ندارد.

در مراسم رونمایی کتاب‌های جشنواره عنوان شد

## انتشار ۴ کتاب بین‌المللی تئاتر برای فجر آینده

بخش انتشارات بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر روز گذشته طی مراسمی با حضور حسین پارسایی، محمد حیدری، جواد افشین‌نژاد، محمدحسین دشت‌گلی، محمدحسین ناصربخت و جمعی از نویسندگان از ۱۸ عنوان کتاب چاپ‌شده به مناسبت برگزاری این جشنواره رونمایی کرد.حسین پارسایی، مدیر اداره کل هنرهای نمایشی و دبیرجشنواره تئاتر فجر، با تشکر از محمدحسین ناصربخت، مدیر دفتر انتشارات نمایش و مدیر بخش انتشارات جشنواره، پژوهش را امری جدی برای تولید متون در اداره کل هنرهای نمایشی معرفی و افزایش انتشار کتاب‌های پژوهش‌های کاربردی در دفتر انتشارات نمایش را اتفاقی مثبت ارزیابی کرد.

دبیر جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر از توجه هنرمندان گرافیست به طراحی جلد کتاب‌های تئاتری یاد کرد و از گرافیک و طراحی جلد کتاب‌های چاپ شده ابراز خرسندی نمود. وی توجه به درام‌نویسان شهرستانی، تجهیز کتابخانه تئاتر شهر و توجه به حوزه بین‌الملل را از برنامه‌های اداره کل هنرهای نمایشی عنوان کرد و از ناصربخت خواست برای سال آینده حداقل چهار کتاب در حوزه بین‌الملل تولید شود. حسین پارسایی با معرفی کتاب «تئاتر معاصر ایران ۲۰۱۰» که شامل مقالاتی از پژوهشگران تئاتر در معرفی تئاتر ایران است، افزود: این کتاب برای I TI ارسال خواهد شد. در بخش دیگر این مراسم، که در کتابخانه تئاتر شهر برگزار می‌شد، محمدحسین ناصربخت از افزایش رویکرد ناشران خصوصی به انتشار کتاب‌های تئاتر سخن گفت و خاطرنشان کرد: «تلاش کرده‌ایم تنوع موضوعات تئاتر را در انتشار کتاب مدنظر داشته باشیم. امسال هدف، گسترش کمّی در تولید کتاب بود. امروز، می‌توانیم نسل جدیدی از نمایشنامه‌نویسان ایرانی را در آینه انتشارات ببینیم که نسبت به مسائل اطرافشان حساسیت بسیاری دارند.

این مراسم با معرفی جواد تولمی به عنوان مدیر جدید کتابخانه تئاتر شهر به پایان رسید.

## امروز و فردا با جشنواره

### چهارشنبه ۸۸/۱۱/۷

**تالار وحدت** (۱۹:۰۰) «همسر تحت کنترل»، یان‌وی (میهمان بین‌الملل / چین) ۱۱۰ دقیقه.
**تالار اصلی** (۱۹:۰۰) «بازی»، آندره پینیا (مسابقه بین‌الملل / سوئیس) ۶۰ دقیقه.
**تالار چهارسو** (۱۸:۳۰) «دکتر فرانکشتاین»، سالواتوره تراماچره و فابریزیو پوگلیزه (مسابقه بین‌الملل / ایتالیا) ۶۰ دقیقه.
**تالار قشقایی** (۲۰:۰۰ / ۱۷:۰۰) «مردان همیشه به خانه بازمی‌گردند»، عبدا... برجسته (برگزیدگان مناطق / مشهد) ۵۰ دقیقه.
**تالار سایه** (۲۰:۰۰ / ۱۷:۳۰) «ارغوان»، احمد ایرانی‌خواه (چشم‌انداز تئاتر ایران در سال ۸۹) ۶۰ دقیقه.
**کارگاه نمایش** (۱۹:۰۰ / ۱۶:۰۰) «۱۱:۱۱» رکسانا بهرام و حسن برزگر (تجربه‌های نو) ۶۰ دقیقه.
**تماشاخانه سنگلج** (۲۰:۳۰ / ۱۸:۰۰) «ورودیه پنج»، رسول نقوی (چشم‌انداز تئاتر ایران در سال ۸۹) ۶۵ دقیقه.
**تالار مولوی** (۱۹:۳۰ / ۱۷:۰۰) «صد راه، صدرا»، عظیم موسوی (چشم‌انداز تئاتر ایران در سال ۸۹) ۱۱۵ دقیقه.
**خانه نمایش اداره تئاتر** (۱۸:۳۰) «گل»، یاسر خاسب (میهمان بین‌الملل) ۴۵ دقیقه.
**تالار هنر** (۱۸:۳۰) «مینیونه»، آناشیشکینا (میهمان بین‌الملل / روسیه) ۶۰ دقیقه.
**تماشاخانه مهر حوزه هنری** (۱۷:۰۰) «آوازی که خدا زمزمه می‌کند»، صاحب آهنگر (برگزیدگان مناطق / ساری) ۶۰ دقیقه.
**تالار شماره یک تماشاخانه ایرانشهر** (۲۰:۰۰ / ۱۷:۳۰) «رویاهای کوچک»، فرانچسکو دنیس (تئاتر ملل / ونزوئلا) ۵۵ دقیقه.
**تالار شماره دو تماشاخانه ایرانشهر** (۲۱:۰۰ / ۱۸:۳۰) «بابل»، یوزف مارکوکی (مسابقه بین‌الملل / لهستان) ۷۰ دقیقه.
**تالار فردوسی** (۱۸:۳۰) «اپرای مولوی»، بهروز غریب‌پور (میهمان بین‌الملل) ۱۱۰ دقیقه.
**پارکینگ تالار وحدت** (۲۰:۳۰) «عطر زمان»، یرژی زون (مسابقه بین‌الملل / لهستان) ۶۰ دقیقه.
**تالار کنفرانس مجموعه تئاترشهر** (۱۵:۰۰) «دوست من عمو بیلی»، حمیدرضا صفار (نمایشنامه‌خوانی) ۹۰ دقیقه.
**تالار استاد انتظامی خانه هنرمندان** (۱۸:۰۰) «باجه تلفن»، ایوب آقاخانی (رادیو تئاتر) ۵۵ دقیقه.
**محوطه تئاترشهر** (۱۹:۰۰ / ۱۸:۳۰ / ۱۸:۰۰ / ۱۶:۰۰) «از سفید تا خط‌خطی»، سروش پیمبری و «بالاتر از خطر»، حمید مرادی (خیابانی، منتخب جشنواره‌ها).
**محوطه تئاترشهر** (۱۷:۰۰ / ۱۶:۳۰) «تراژدی آب»، مهدی صالحیار، «مسافر زمان» پروانه علی ضامنی و «اعترافات یک مستاجر»، نرگس خاک‌کار (خیابانی، بخش ویژه انقلاب اسلامی).
**بوستان باغ هنر** (۱۷:۰۰ / ۱۶:۳۰ / ۱۶:۰۰ / ۱۵:۳۰ / ۱۵:۰۰) «درد مشترک»، آوات صدیقی‌نیا، «منچ»، اسماعیل صرامی، «خاطره فروشی»، مجتبی دربندی، «خانی دیگر برای رستم»، اصغر خطیب‌زاده و «کوچه بی‌انتها»، حامد امان‌پور (خیابانی).
**تالار مولوی، سالن کوچک** (۱۰:۰۰ تا ۱۳:۱۵) کارگاه «آموزش فن دلقکی»، مدرس: سایمون ادواردز از انگلستان.
**تالار وحدت، طبقه هفتم** (۱۰:۰۰ تا ۱۳:۰۰) کارگاه «هنر ویدئو»، مدرس دنیل کوترو کونستانز فیشبک از آلمان.
**تئاترشهر، پلاتوی شماره یک** (۱۰:۰۰ تا ۱۳:۰۰) کارگاه «تکنیک‌های تئاتری»، مدرس: گروه نمایش دکتر فرانکشتاین از ایتالیا.
**خانه هنرمندان، سالن نیلوفر** (۹:۰۰ تا ۱۵:۳۰) کارگاه «مدیریت تئاتر»، مدرس: راجر مک‌کن از انگلستان.

**پرده خوانی انقلاب**

**تالار وحدت** (۱۸:۳۰) حسن سرچاهی
**تالار اصلی** (۱۸:۳۰)ابوالحسن میرزاعلی
**تالار چهارسو**(۲۰:۳۰) محمدرضا معجونی
**تماشاخانه سنگلج**(۱۷:۳۰) مرشد احدی
**تالار مولوی**(۱۹:۳۰) محسن میرزاعلی
**تماشاخانه مهر**(۱۶:۳۰) حسن سرچاهی
**تماشاخانه ایرانشهر**(۱۷) ابوالفضل ورمزیار
**خانه هنرمندان**(۱۹) محمدرضا معجونی

### پنج‌شنبه ۸۸/۱۱/۸

**تالار وحدت** (۱۹:۰۰) «من، یک، هرکسی بخش دوم»، یونگ – هی‌کیم (مسابقه بین‌الملل / کره‌جنوبی) ۵۰ دقیقه.
**تالار اصلی** (۱۹:۰۰) «بازی»، آندره پینیا (مسابقه بین‌الملل / سوئیس) ۶۰ دقیقه.
**تالار چهارسو** (۲۱:۰۰ / ۱۸:۳۰) «تقریباً هیچ»، لوئیز آندره (تئاتر ملل و مسابقه بین‌الملل / برزیل) ۵۰ دقیقه.
**تالار قشقایی** (۲۰:۰۰ / ۱۷:۰۰) «نظمیه زنان»، اصغر خلیلی (میهمان) ۹۰ دقیقه.
**تالار سایه** (۲۰:۰۰ / ۱۷:۳۰) «آواز دورترین کرانه مه‌آلود زمین»، شهرام گیل‌آبادی (میهمان) ۶۰ دقیقه.
**کارگاه نمایش** (۱۹:۰۰ / ۱۶:۰۰) «سال کبیسه عیسی»، یعقوب صدیق‌جمالی (چشم‌انداز تئاتر ایران در سال ۸۹ / تبریز) ۶۵ دقیقه.
**تماشاخانه سنگلج** (۱۸:۰۰) «روز درازتر از شب»، سلطان عثمانف (تئاتر ملل/ تاجیکستان) ۹۰ دقیقه.
**تالار مولوی** (۱۹:۳۰ / ۱۷:۰۰) «تنها سگ اولی می‌داند چرا پارس می‌کند مکبث»، ابراهیم پشتکوهی (تجربه‌های نو و مسابقه بین‌الملل / بندرعباس) ۱۰۰ دقیقه.
**خانه نمایش اداره تئاتر** (۱۸:۳۰) «گل»، یاسر خاسب (میهمان بین‌الملل) ۴۵ دقیقه
**تالار هنر** (۱۸:۳۰) «مینیونه»، آناشیشکینا (میهمان بین‌الملل / روسیه) ۶۰ دقیقه.
**تماشاخانه مهر حوزه هنری** (۱۷:۰۰) «آیینه‌های مکدر»، سعید خیراللهی (برگزیدگان مناطق / دهلران) ۴۵ دقیقه.
**تالار شماره یک تماشاخانه ایرانشهر، «مراسم معرفی بهترین‌های تئاتر ایران»**، ساعت (۱۹/۰۰).
**تالار شماره دو تماشاخانه ایرانشهر** (۲۱:۰۰ / ۱۸:۳۰) «مکاشفه در باب یک میهمانی خاموش»، رضا حداد (تجربه‌های نو) ۷۰ دقیقه.
**تالار فردوسی** (۱۸:۳۰) «اپرای مولوی»، بهروز غریب‌پور (میهمان بین‌الملل) ۱۱۰ دقیقه.
**پارکینگ تالار وحدت** (۲۰:۳۰) «عطر زمان»، یرژی زون (مسابقه بین‌الملل / لهستان) ۶۰ دقیقه.
**تالار کنفرانس مجموعه تئاترشهر** (۱۵:۰۰) «امینه»، علی شمس (نمایشنامه‌خوانی) ۷۰ دقیقه.
**تالار استاد انتظامی خانه هنرمندان** (۱۸:۰۰) «شام آخر»، ندا هنگامی (رادیو تئاتر) ۶۰ دقیقه.
**تالار مولوی، سالن کوچک** (۱۰:۰۰ تا ۱۳:۱۵) کارگاه «آموزش فن دلقکی»، مدرس: سایمون ادواردز از انگلستان.
**تالار وحدت، طبقه هفتم** (۱۰:۰۰ تا ۱۳:۰۰) کارگاه «هنر ویدئو»، مدرس: دنیل کوتر و کونستانز فیشبک از آلمان.
**تئاترشهر، پلاتوی شماره یک** (۱۰:۰۰ تا ۱۳:۰۰) کارگاه «تکنیک‌های تئاتری»، مدرس: گروه نمایش دکتر فرانکشتاین از ایتالیا.
**خانه هنرمندان، سالن نیلوفر** (۹:۰۰ تا ۱۵:۳۰) کارگاه «مدیریت تئاتر»، مدرس: راجر مک‌کن از انگلستان.

**پرده خوانی انقلاب**

**تالار وحدت** (۱۸:۳۰) محسن میرزاعلی
**تالار اصلی** (۱۸:۳۰)ابوالفضل ورمزیار
**تالار چهارسو**(۲۰:۳۰)محسن میرزاعلی
تماشاخانه سنگلج(۱۷:۳۰)سیدبابا حیدری
**تالار مولوی**(۱۹:۳۰) حسن سرچاهی
**تماشاخانه مهر حوزه هنری**(۱۶:۳۰) ابوالحسن میرزاعلی
**تماشاخانه ایرانشهر**(۱۸:۳۰) مرشد احدی
**خانه هنرمندان**(۱۹) مرشد احدی

# تبادل فرهنگ و هنر ایرانی از بازار تئاتر خداحافظی کردند

## گزارشی از آخرین روز برپایی بازار تئاتر ایران

### تبادل ۲۰۰ اثر نمایشی در بازار تئاتر

نخستین بازار تئاتر ایران روز گذشته، ششم بهمن‌ماه در حالی به کار خود پایان داد که میزبان گروه‌های بین‌المللی از نقاط مختلف جهان از جمله چین، انگلستان، لهستان، دانمارک و ... بود.

در آخرین روز از برگزاری بازار تئاتر ایران، شاهد استقبال پرشور گروه‌های بین‌الملل از ۴۶ غرفه موجود در بازار تئاتر ایران بودیم، استقبالی که در نوع خود کم‌نظیر بود. در طی این پنج روز، گروه‌های بین‌الملل از صبح تا پیش از شروع اولین اجرای صحنه‌ای و خیابانی، با حضور در غرفه‌های مختلف این بازار به تبادل اطلاعات با گروه‌های ایرانی می‌پرداختند تا شاید فرصتی شود برای آشنایی بیشتر با فرهنگ و هنر نمایش مشرق‌زمین. آن‌ها گاهی نیز برخلاف باورها و ذهنیت‌های گذشته‌شان با تماشای آثار ایرانی و آشنایی با گروه‌ها شگفت‌زده می‌شدند. طی این پنج روز در ۴۶ غرفه موجود در بازار تئاتر ایران بیش از ۲۰۰ دی‌وی‌دی از آثار گروه‌های نمایشی برای آشنایی بیشتر به گروه‌های بین‌الملل بازدیدکننده اهدا شد. این بازار فرصت مغتنمی ایجاد کرد تا مرز میان فرهنگ‌ها شکسته و شکاف‌های فرهنگی با رویارویی مستقیم گروه‌های نمایشی پر شود.

محمد اطبایی، مدیر بخش بین‌الملل جشنواره، در آخرین روز از برگزاری بازار تئاتر ایران با ارائه فرم نظرسنجی به گروه‌ها و تأکید بر پر شدن این فرم‌ها، آخرین تلاش‌هایش برای بررسی چگونگی برگزاری نخستین دوره بازار تئاتر ایران را به ثمر رساند تا با آشنایی بیشتری با نظرات گروه‌ها و نقدهای موجود به بازار تئاتر، نقص‌های آن را برای دوره‌های بعدی برطرف سازد.

### ضیافتی برای پایان

نخستین بازار تئاتر ایران با برپایی ضیافتی در هتل فردوسی به کار خود پایان داد. این در حالی بود که گروه‌های شرکت‌کننده در بازار تقاضای تمدید زمان برگزاری را داشتند که به دلیل فشردگی برنامه‌های جشنواره این امکان وجود نداشت.

دبیر جشنواره بیست و هشتم در این مراسم ضیافت، تعداد نمایش‌هایی که مورد تقاضای مهمانان خارجی قرار گرفته را یکصد نمایش اعلام کرد و گفت: «بعد از قطعی شدن مذاکرات گروه‌ها نحوه مشارکت اداره کل هنرهای نمایشی نیز اعلام خواهد شد.»

محمد اطبایی نیز برپایی بازار تئاتر ایران را پنجره‌ای برای عبور تئاتر کشورمان از تئاتر دولتی به سمت استقلال و خصوصی‌سازی عنوان کرد.

### یوزف مارکوکی، کارگردان نمایش «بابل» از لهستان

بازار ایدهٔ جالبی است برای برقراری ارتباط و شناخت بهتر از تئاتر کشورهای مختلف. امیدوارم برای سال آینده که جشنواره‌ای در لهستان برگزار می‌شود، از گروه‌های ایرانی هم دعوت کنیم تا در آن شرکت کنند.

### آلوارو آرکوس، کارگردان نمایش «هفت علیه تب» از کلمبیا

گرچه در بازارهای دیگر کشورها نیز شرکت کرده‌ام، اما بازار تئاتر در ایران کامل‌تر و از نظر ساختاری مناسب‌تر است.

### نیکلاس هلبلینگ، کارگردان سوئیسی

با تکیه به تجربیات فراوانم، معتقدم که بازار تئاتر فرصتی مناسب برای تبادل ایده‌ها و نظرات است. تجمع عده‌ای از افراد خلاق کنار هم باعث اتفاقات خوبی می‌شود.

### اشتفان وایلند،کارگردان «آخرین پرسیمرغ» از آلمان

در بازارهای کشورهای دیگر هم حضور داشته‌ام، اما آن‌چه در این‌جا شاخص بود همزمانی آن با زمان جشنواره و در قالب آن بود؛ برخلاف سایر کشورها که بازار را به عنوان یک بخش مستقل و خارج از جشنواره برگزار می‌کنند.

### برایان دالی، کارگردان کانادایی

با وجود این‌که نخستین بار است به ایران می‌آیم، بازار آن را به خاطر تنوع زیادش قابل توجه یافتم. اجرای چنین ایده‌هایی باعث می‌شود که خارجی‌ها با فرهنگ متنوع ایرانی آشنا شده و ایرانیان نیز از جایگاه فرهنگ‌شان در میان سایر فرهنگ‌های جهان مطلع شوند.

### پییر دامینگر، کارگردان

من همکاری‌های زیادی با تئاتر ایران داشته‌ام و معتقدم که بازار تئاتر آغاز یک مرحله جدید در این همکاری‌هاست که موجب تبادل اطلاعات، افکار و تجارب می‌شود؛ گرچه اثرات مثبت این اقدام در آینده مشخص خواهد شد.

### فرانچسکو گاندی، کارگردان نمایش «پروانه‌ها» از ایتالیا

این گام اول یک حرکت خوب و رو به جلو است که می‌تواند آغازگر یک فرآیند پیشرفت در آشنایی با نمایش کشورها، به‌خصوص ایران باشد. به این ترتیب، در همین زمان کوتاه، برای هنرمندان ایرانی که تا به حال امکان شناخته شدن در سطح گسترده را نداشته‌اند، فرصتی پیش می‌آید تا به همراه گروه‌های نمایشی‌شان در این بازار شانس مطرح شدن در سطح بین‌المللی را پیدا کنند. من هم در این بازار نه به عنوان یک مدیر برای انتخاب نمایش‌ها، بلکه به منظور آشنایی با گروه‌های مختلف نمایشی، به‌خصوص گروه‌های ایرانی حضور داشتم.

### ایرنا آندره‌وا، دستیار کارگردان نمایش «فانتومیستریا» از جمهوری چک

اولین باری بود که بازار تئاتر را می‌دیدم. ایجاد این فضا برای آشنایی با هنر تئاتر کشورهای دیگر بهترین زمینه را فراهم می‌کند تا یک تبادل فرهنگی و تئاتری میان کشورها رخ دهد و این امر به تعالی تئاتر در دنیا کمک خواهد کرد.

### راجر مک کن، کارگردان انگلیسی

در سومین حضور خود در جشنواره تئاتر فجر، به دنبال برپایی کارگاه‌هایی در رابطه با مدیریت و بازاریابی تئاتر بودم.

از نظر من بازار فرصتی برای کسب تجربه و آشنایی است. مشکل اصلی این بازار فضای بازاری است که جایگزین‌فضای نمایشگاهی شده است و گروه‌های مختلف بدون شناخت علایق مهمانان، آنان را به غرفه خود دعوت می‌کنند.

### آنیک جانسن از هلند

در دوره‌های گذشته، تنها پس از اجرا فرصت کوتاه و مختصری برای صحبت با گروه‌های دیگر بود که البته این امر برای تمامی گروه‌ها هم میسر نبود. اکنون می‌توانم با حضور در بازار، در فرصت بهتری با گروه‌های نمایشی مورد علاقه‌ام گفت‌وگو کنم.

### راجر مگان از انگلستان

پنجمین بار است برای شرکت در این‌جشنواره دعوت شده‌ام. امسال افتتاح نخستین بازار تئاتر جشنواره را فرصتی خوب برای مبادله اطلاعات میان گروه‌ها می‌دانم.

### گویین استراید از انگلستان

به نظر می‌رسد بازار تئاتر ایران که برای نخستین بار برگزار می‌شود، با برنامه‌ریزی دقیقی در حال فعالیت است.

### آنا شیشکینا، کارگردان نمایش «مینیونه» از روسیه

آنا شیشکینا که تجربه خوبی از حضورش در سایر کشورهای اروپایی دارد، معتقد است بازار ایران به نسبت بازارهای کشورهای اروپایی چندان موثر برگزار نبوده‌است. به نظر او بازار باید با یک مدیریت دقیق و حضور مستقیم همراه باشد. آشنایی با تئاتر کشورهای دیگر که هدف اصلی این بازار و بستری برای گسترش روابط میان کشورها است، بدون حضور یک مدیر که کارهای برنامه‌ریزی و هماهنگی را انجام دهد، امکان‌پذیر نخواهد بود.

در بازار ایران افراد و گروه‌ها این ارتباط را تنها از طریق ایمیل برقرار می‌کنند. کسی نیست که بخواهد کار گروهی را بسنجد و در صورت مقبولیت، هماهنگی لازم را برای دعوت از آنان در جشنواره خود انجام دهد.

برای مثال، من نمایش «مکبث» را دیده و از کار این گروه لذت برده‌ام، اما تنها کاری که می‌توانم برای برقراری ارتباط انجام دهم، این است که بعد از بازگشت به روسیه، با یک مدیر صحبت کنم و از او بخواهم که قراردادی برایشان بنویسد.

# معرفی نامزدهای مسابقه نمایش‌های رادیویی و تلویزیونی

هیـأت داوران بخش مسـابقه نمایش‌هـای رادیویی و تلویزیونی متشـکل از محمد خزاعی، رحمان سیفی‌زاد و نـادر برهانی‌مرند، نامزدهای دریافت جایزه این بخش را معرفی کردند.

در بخـش نمایش‌های رادیویـی و تلویزیونی ۱۸۵ اثر حضور داشـتند که به صورت تفکیک شده ۷۹ تله‌تئاتر و ۱۰۶ نمایـش رادیویی داوری شـده کـه نامزدهای هر بخش در زیر آمده اسـت. جوایز برترین‌های این بخش در اختتامیه روز پنج‌شنبه اعلام خواهد شد.

## بیشترین نامزدی برای «مبارزه»، «سکوت» و «چهار حکایت از...»

طراحی صحنه:
۱- حسین حاتمی (برگزیده)
۲- حسین رنجبرشیرازی (مبارز)
۳- فریبرز قربان‌زاده (سکوت)
۴- منوچهـر شـجاع (سـفر بـه گمسک)
بازیگر مرد:
۱- فرهاد اصلانی (چهار حکایت از چندین حکایت رحمان)
۲- فرهاد آئیش (هنر – خانواده تُت)
۳- رضا امینی‌پور (مبارز)
۴- احمد مهرانفر (چهار حکایت از چندین حکایت رحمان)
۵- رضـا عباسـی (شـباهنگ درحضیض)
بازیگر زن:
۱- حمیرا ریاضی (چهار حکایت از چندین حکایت رحمان)
۲- مهتاج نجومی (سفر به گمسک)
۳- رویـا میرعلمـی (بچه‌های من، آفریقای من)
۴- رویـا افشـار (آدم خوابـش می‌گیره)
۵- آزاده حاتمی (روژانو)
نویسندگی:
۱- علیرضا نادری‌نجف‌آباد
حکایت از چندین حکایت
۲- سعید تشکری (یوسف می‌آید)
۳- رسول صانعی (مبارز)
۴- مهرداد رایانی‌مخصوص (سکوت – دغدغه‌های پرچین...)
۵- چیستا یثربی (روژانو)
کارگردانی تلویزیونی:
۱- مسعود فروتن (دل سگ)
روژانو – سکوت
۳- علی‌اصغر شادروان (برگزیده)
۴- رسول صانعی (مبارز)
۵- احمد شادکامی (یوسف می‌آید)
کارگردانی هنری:
۱- سعید تشکری (یوسف می‌آید)
۲- مهرداد رایانی‌مخصوص (سکوت)
۳- محمد یعقوبی (دل سگ)
۴- کورش نریمانی (هتل پلازا)
۵- علی‌اصغر شادروان (برگزیده)

## سهم ۸ رشته‌ای «پیکان» در آثار رادیویی

تنظیم برتر:
۱- رضا عمرانی (پلکان و روز واقعه)
۲- ایوب آقاخانی (باجه تلفن)
۳- فاطمه دلیری (در پوست شیر)
۴- میلاد اکبرنژاد (من اینجا هستم مامان)
۵- مجیدنظری‌نسب (داستان عجیب و شگفت‌انگیز بنجامین باتن)
سردبیر برتر:
۱- ندا هنگامی (پلکان و روز واقعه)
۲- زهره سُطوت (باجه تلفن)
۳- مهدی شرفی (خواب خفتگان)
۴- فاطمه دلیری (در پوست شیر)
۵- مرضیه رشـیدبیگی (داسـتان عجیـب و شـگفت‌انگیز بنجامیـن باتن)
بازیگر مرد:
۱- علی عمرانی (پلکان)
۲- سیامک صفری (روز واقعه)
۳ – مهدی نمینی (در پوست شیر)
۴- مصطفی عبداللهی (پلکان)
۵- آرش جمال‌الدین (مجموعه کارهای فارس)
۶- امین‌رسولی (عاشیق حیدروجیران)
بازیگر زن:
۱- رویا فلاحی (پلکان)
۲- شهین نجف‌زاده (روز واقعه)
۳- فاطمه سیم‌زاری (عاشیق حیدر و جیران)
۴- سعیده فرضی (داستان عجیب و شگفت‌انگیز بنجامین باتن)
۵- شـهرزاد عبدحـق (در پوسـت شیر)
تهیه‌کننده:
۱- محمد مهاجر (پلکان)
۲- امین رسـولی (عاشـیق حیدر و جیران)
۳- فریبرز گلبن (در پوست شیر)
۴- لیلا اسراری (یک شیوه متفاوت)
۵- محمود احمدی (روز واقعه)
نویسنده:
۱- محمود استادمحمد (تَهرَن)
۲- ایوب آقاخانی (ننه دلاور)
۳- امیـن رسـولی (عاشـیق حیدر و جیران)
۴- رعنا طهماسبی‌گرمارودی (خواب خفتگان)
۵- علیرضا حنیفی (نقش بر آب)
کارگردان برتر:
۱- علی عمرانی (پلکان)
۲- ایوب آقاخانی (باجه تلفن)
۳- سلمان خطی (تلاقی در شهر باران)
۴- علی عمرانی (روز واقعه)
۵- امین رسـولی (عاشـیق حیدر و جیران)
بهترین کار:
۱- عاشیق حیدر و جیران (اردبیل)
۲- روز واقعـه (مرکز نمایش صدا – تهران)
۳- پلـکان (مرکـز نمایـش صدا – تهران)
۴- باجـه تلفن (مرکـز نمایش صدا – تهران)
۵- داستان شـگفت‌انگیز بنجامین باتن (مرکز نمایش صدا – تهران)

سیدجواد جعفری، مدیر کل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خراسان رضوی:

# چشم‌اندازی از بالندگی تئاتر در استان خراسان رضوی

استان خراسان رضوی در اشاعه فرهنگ رضوی از طریق هنر تئاتر بسیار فعال نشان داده است. حمایت و بسترسازی برای گروه‌های تئاتری این استان یکی از وظایفی است که سید جواد جعفری، مدیر کل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خراسان به آن توجه داشته است. برگزاری جشنواره سراسری تئاتر رضوی نیز گواهی است از این توجه و حمایت. (در این دوره از جشنواره تئاتر فجر، دو نمایش «کفترطلا» و «حکایت دختری که خاتون مغربی را دید» به عنوان آثار برگزیده دور سوم و هفتم جشنواره رضوی در بخش جشنواره جشنواره‌ها حضور دارند. «ما همه اهل یک محله‌ایم» رضا صابری (مشهد) نیز در بخش مهمان جشنواره شرکت کرده است.) با سیدجواد جعفری، در خصوص دامنه فعالیت‌های این اداره کل به گفت‌وگو نشستیم.

**فعالیت‌های عرصه هنرهای نمایشی را در استان خراسان رضوی چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

سال‌ها است در استان خراسان رضوی، تئاتر به شکل وسیع و گسترده‌ای دنبال می‌شود. خراسان رضوی استانی فرهنگ‌مدار، تاریخی و متمدن است و در تمام عرصه‌های هنری به صورت گسترده‌ای فعالیت می‌کند که این امر پویایی و خلاقیت را در امور هنری به همراه دارد. در این چند ساله اخیر، دولت در بخش‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در حوزه فرهنگ حمایت‌های خوبی داشته است. بالطبع، سطح کیفی تئاتر در استان خراسان رو به بالندگی است. نسل جدیدی از جوانان تحصیلکردهٔ دانشگاهی و هنرمندان باسابقه تئاتر استان در تشریک مساعی با یکدیگر مجموعه برنامه‌ریزی‌های مدون و کارشناسی‌شده‌ای دارند که برآیند این فعالیت‌ها در حوزه کارهای بین‌المللی و داخلی به‌خوبی دیده می‌شود.

**برنامه‌های حمایتی که از گروه‌های تئاتر دارید، به چه نحوی است؟**

حمایت‌ها در سه بخش قابل تقسیم‌بندی است: بخش اول حمایت از هنرمندان باسابقه و سرشناس تئاتر است که طبیعی است در تعامل با اداره کل هنرهای نمایشی و وزارتخانه تلاش می‌شود در طول سال در حوزه‌های مختلف، به‌خصوص فرهنگ ولایت به آن‌ها سفارش کار داده شود. این اجراها هم در سطح استان برای مردم روی صحنه می‌روند و در جشنواره‌های استانی و کشوری نیز حضور پیدا می‌کنند. بخش دیگر، حمایت از گروه‌های علاقه‌مند تئاتری است که سابقه پربار و موفقی هم در این عرصه دارند و به تئاتر به صورت حرفه‌ای نگاه می‌کنند.

گروه‌های آماتوری و تجربی هم در چتر حمایتی به عنوان امیدهای آینده تئاتر مورد نظرند. نکته حائز اهمیت دیگر این است که این اداره کل خوشبختانه در سال‌های اخیر در تعامل با معاونت فرهنگی شهرداری برنامه‌های سالیانه‌ای با عنوان «تئاتر برای مردم» تهیه و تدوین کرده که در سال جاری نیز این حرکت در حال پیگیری و اجراست و هر روز در دو سالن برای مردم تئاترهای مختلفی روی صحنه اجرا می‌شود.

**همکاری با سایر نهادهایی که به نوعی با فرهنگ و هنر ارتباط دارند، چقدر می‌تواند به اعتلای کیفی سطح تئاتر کمک کند؟**

ثابت شده است که یک دست صدا ندارد. اگر در حوزه‌های فرهنگی تمام امکانات نهادهای فرهنگی در کنار یکدیگر قرار بگیرد، همگرایی شکل می‌گیرد و شرایط مطلوب برای کار هنرمندان فراهم می‌شود.

**اگر جشنواره تئاتر فجر با توجه به فرهنگ بومی و ملی حمایت یکسانی نسبت به تئاتر شهرستان و پایتخت‌نشینان داشته باشد، در بالا بردن کیفیت تئاتر استان‌ها موفق خواهد بود**

**برای جالب‌توجه بودن تئاترهایی که در سطح استان برای مردم اجرا می‌شود، چه اقداماتی را در نظر گرفته‌اید؟**

وقتی هنرمندی با ارزش‌های مردمش ارتباطی نداشته باشد، مطمئن باشید اثرش در جامعه مخاطبانی نخواهد داشت و فقط تعداد اندکی به دیدن این نوع نمایش‌ها می‌روند. هر چقدر به معنویت و فرهنگ ایرانی توجه کنیم، قطعاً می‌توانیم آثار پرمخاطبی برای عرضه به مردم داشته باشیم.

**در حیطه برنامه آموزشی و پژوهشی چه طرح‌هایی را در دستور کار دارید؟**

اگر بخواهیم محتوای ارزشی خودمان را در یک قالب درست و سنجیده ارائه کنیم، باید از تکنیک‌های رایج بهره‌برداری کنیم و این تکنیک‌ها هم با آموزش به دست می‌آید. بدون زحمت، تلاش و خاک صحنه خوردن،هیچ هنرمندی در کارش به توفیق نمی‌رسد. در

# زبان بچه‌های تئاتر خیابانی را خواهم بود

## امیر دژاکام، عضو هیأت داوران بخش تئاتر خیابانی:

استان، کارگاه‌های آموزشی به شیوه استاد شاگردی برگزار می‌شود نه به شیوه کلاسیک دانشگاهی. به‌عبارت دیگر، آموزش روی صحنه تئاتر انجام می‌شود و این شیوه به خوبی هم جواب داده است.

**نحوهٔ اولویت‌بندی متن‌های تئاتری برای اجرای عمومی به چه نحوی است؟**

در مشهد فرهنگ رضوی، بومی، دفاع مقدس، ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و اشاعه آن در تمام عرصه‌ها اولویت اصلی محسوب می‌شود. از هر نوع متنی که دارای چنین ویژگی‌هایی باشد، حمایت‌های لازم و درحد توان صورت می‌گیرد.

**تئاتر به عنوان یکی از هنرهای مؤثر نمایشی به چه میزان می‌تواند در ارتقای سطح دانش و آگاهی مخاطبان موثر عمل کند؟**

همانگونه که رهبر معظم انقلاب فرمودند: «هنر یک قالب است برای ماندگار کردن مفاهیم ارزشی» و امام راحل نیز فرمودند که «تئاتر منبر است»، هر گاه زمانی تئاتر وسیله‌ای برای ترویج ارزش‌های دینی و اسلامی شد، نشان می‌دهد راه را به صواب رفته‌ایم. اگر تئاتر نتواند این اهداف را به درستی به سرانجام برساند، مطمئن باشید دچار انحراف و کاستی‌ها خواهیم شد.

**یکی از اولویت‌های برنامه‌های دولت، خصوصی‌سازی است. در این زمینه، در استان خراسان چه اقداماتی انجام داده‌اید»؟**

تمام گروه‌های تئاتر که برای اجرای نمایش مجوز دریافت می‌کنند، همگی وابسته به گروه‌های خصوصی‌اند. منتها دولت برای اینکه این گروه‌ها بتوانند سرپا باشند، کمک‌هایی به آن‌ها می‌دهد. بنابراین، خصوصی‌سازی در عرصه تئاتر وجود دارد و متناسب با سطح کار این گروه‌ها، حمایت‌ها نیز صورت می‌گیرد.

**برای درک بهتر مسائل و مشکلات اساسی تئاتر چه مسائلی را در این حیطه مدنظر دارید؟**

شورایی با عنوان «شورای هماهنگی تئاتر» ایجاد شده است که در آن تمام افرادی که در تئاتر فعالیت می‌کنند و مطرح هستند، عضویت دارند. به این ترتیب، مسائل بچه‌های تئاتر در این شورا حل و فصل می‌شود. هم‌اکنون در این شورا ۱۲ نفر عضویت دارند.

مشاوری از جانب بنده نیز در این جلسات حضور دارد. شوراهای دیگری نیز با عنوان شوراهای شهرستانی و استانی وجود دارند که تصمیمات آن‌ها پس از بررسی، جنبه عملی به خود می‌گیرد.

**با توجه به وسعت استان، نحوه اختصاص بودجه‌ها برای شهرستان‌ها به چه نحوی صورت می‌گیرد؟**

نوع حمایت و میزان و چگونگی اختصاص بودجه به شهرستان‌ها را شوراهای یاد شده تعیین می‌کنند. البته انجمن هنرهای نمایشی نیز با نگاه تخصصی و ویژه‌ای که دارد، در این تصمیم‌گیری نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند.

**تئاتر خیابانی از گونه‌های تئاتری است که ارتباط مستقیم و فراگیری با مردم دارد. در حوزه حمایت از تئاتر خیابانی چه اقداماتی انجام داده‌اید؟**

یکی از استان‌های فعال در عرصه تئاتر خیابانی استان خراسان رضوی است و همه ساله در جشنواره تئاتر خیابانی گروه‌های خراسانی حضوری بسیار موثر و فعال داشته‌اند. در هر صورت، از تمام گروه‌های تئاتر خیابانی توسط اداره کل هنرهای نمایشی حمایت‌های لازم صورت می‌گیرد.

**جهت تشویق هنرمندان تئاتر خراسان برای استفاده از متن‌های ایرانی چه اقداماتی را انجام داده‌اید؟**

اولویت اول و آخر اداره کل در عرصه تئاتر، پرداختن و حمایت از متن‌های ایرانی برای نمایش‌های صحنه‌ای است. از این رو از نمایشنامه‌نویسان بومی که در این عرصه فعالیت می‌کنند، حمایت‌های

**در مشهد اشاعه فرهنگ رضوی، بومی، دفاع مقدس و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در تمام عرصه‌های هنری برایمان اولویت اصلی محسوب می‌شود**

ویژه انجام می‌گیرد.

**برگزاری جشنواره تئاتر فجر به چه میزان در ارتقای سطح کیفی تئاتر شهرستان‌ها موثر است؟**

جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر می‌تواند توجه بیشتری به فرهنگ ملی و بومی نشان بدهد و توجه و حمایت یک اندازه نسبت به شهرستان‌ها و پایتخت‌نشینان را مبذول کند که بی‌تردید، در بالا بردن کیفیت تئاتر در تمام استان‌ها بیش‌از بیش موفق خواهد بود.

تئاتر زمانی موفق خواهد بود که بپذیریم سالن، فقط یکی از مکان‌های اجراست. باور دارم که اگر قرار است تئاتر برای همه باشد، پس باید در همه مکان‌ها وجود داشته باشد، مانند تئاتر خیابانی. داوری بخش تئاتر خیابانی را پذیرفتم، چرا که احساس می‌کنم تئاتر خیابانی همیشه از امکانات کمتری برخوردار بوده، در حالی که کار کردن در خیابان بسیار سخت‌تر است. اعتقاد دارم امروز وقت آن رسیده تا کارگردان‌هایی مانند سمندریان، غریب‌پور، پسیانی و رفیعی بیرون از سالن کار کنند. کار کردن در سالن به شما قاب، ترکیب‌بندی و محاسبه دقیق می‌دهد و نور و آکوستیک نیز به شما کمک می‌کند در حالی که در تئاتر خیابانی، هنرمند بودن شنا کردن در یک رودخانه توفانی است و افرادی که در این زمینه کار کرده‌اند، انسان‌های بزرگی بوده‌اند.

دلیل دیگری که انگیزه حضور در بین هیأت داوران را به من داد، این بود که از منافع تئاتری‌ها و رنج بچه‌های تئاتر دفاع کنم و زبان آن‌ها باشم. متأسفانه ما در سال‌های اخیر آدم‌هایی را داشته‌ایم که ۳۰ سال داور بوده‌اند، بدون آن‌که یک اثر نمایشی تولید کرده باشند. با تمام احترامی که برای این دوستان قائل هستم، باید بگویم کسی که ۳۰ سال داور و از اعضای هیأت انتخاب بوده اما یک تئاتر هم کار نکرده، حتی اگر در مطالب

**تئاتر خیابانی همیشه از امکانات کمتری برخوردار بوده است، این در حالی است که کار کردن در خیابان بسیار سخت‌تر از صحنه است**

تئوریک تئاتر در حد اعلا باشد، باز هم شامل این ضرب المثل است که«حساب خانه تا بازار دو تا است.» آن‌چه در کتاب‌ها نوشته با آن‌چه در پلاتوها اتفاق می‌افتد، تفاوت دارد. سلام و علیک با بچه‌هایی که وارد پلاتو می‌شوند، به تخصص نیاز دارد. این بچه‌ها از نقاط مختلف می‌آیند و در این مسیر، ترافیک و برف و باران و ... را از سر می‌گذرانند. همچنین امتحان، مریضی و گرفتاری دارند. داوری که این‌ها را درک نمی‌کند، چطور می‌تواند درباره سرنوشت این بچه‌ها داوری کند؟ من که تئاتری هستم و افتخارم این است که ۳۰ سال فعالیت مداوم تئاتری داشته‌ام، کنار این بچه‌ها هستم و زبان آن‌ها خواهم بود.

در مورد تئاتر خیابانی باید ابتدا بگویم اصلی‌ترین باورم این است که تئاتر باید با هر اتفاقی که در جامعه می‌افتد، مطابقت و هماهنگی داشته باشد. البته این هماهنگی به معنی پذیرش و تسلیم در مقابل شرایط نیست، بلکه منظور هماهنگی با شرایط اجتماعی، فرهنگی و ... است. پس بهتر است موضوعاتی را انتخاب کنیم که همین الان در دسترس ما باشند. مسأله بعدی، شکل است و بعد مکان که مانند کاراکتر نقش اول، در کنار شماست و تعیین تکلیف می‌کند. معتقدم کارگردان‌های تئاتر خیابانی باید این حق را داشته باشند که مکانشان را خودشان انتخاب کنند. عنوان «تئاتر خیابانی» در ایران دچار تطور و بازسازی شده و خودش را دوباره ساخته است. در عین حال که تجربیات بشری را نفی نمی‌کنم، معتقدم نمایش سنتی نیز باید خود را با شرایط مکان و زمان بازسازی کند. در آخر درباره بررسی جشنوارهٔ امسال باید بگویم هم محسنات و هم معایبی دارد. مهم این است که حرکتمان به سمت حرفه‌ای تر شدن پیش رفته است.

«پازی» به کارگردانی آندره پینیا از سوئیس

# حقیقت‌جویی‌های یک راهبه ایتالیایی

## «پازی»، راهبه‌ای که تارک دنیا نشد

نمایش «پازی» از کشور سوئیس که در بخش مسابقه بین‌الملل امروز به صحنه می‌رود، برگرفته از داستان قدیسی است با نام ماری مادلین‌دپازی که در قرن هفدهم با نوشته‌ها، معنویت و عرفان خود بر فلورانس ایتالیا تأثیر بسیار زیادی داشته است.نمایش «پازی» به کارگردانی آندره پینیا بدون پرداختن به جزئیات زندگینامه این زن قدیس، زندگی زنی شیدا و انعطاف‌ناپذیر را حکایت می‌کند که برای یافتن خداوند، خود را به طور کامل وقف امور مذهبی می‌کند. او برای دستیابی به این هدف والا باید از تن جسمانی عبور کرده، اعتقادات کهن خود را از بین ببرد و حتی از انسانیتش فراتر رود.او به‌خوبی می‌داند که هیچ کشف و مکاشفه‌ای ممکن نیست، مگر آن‌که بتواند از موانع جسمانی و عرفی رایج در آن زمان عبور کند، او بدین نکته آگاه است که با گذشتن از این موانع سخت و شدید می‌تواند طبیعت انسانی خود را پاک و منزه و متعالی سازد.ماری مادلین‌دپازی از آن زمان تاکنون در میان راهبه‌های حقیقت‌جو و راستین به عنوان نماد استقامت در راه رسیدن به حقیقت مطلق شناخته می‌شود؛ هرچند در قرن هفدهم ایتالیا، کارها و اعمال او نوعی الحاد و جنون تلقی می‌شده است.

در جهان پازی، فعل «باید» هیچ جایگاه و مفهومی ندارد، بلکه این «شدن» و «بودن» است که لازم است هر رهرو و حقیقت‌جویی آن را مدنظر قرار دهد. از همین رو، نمایش «پازی» را می‌توان چکامه‌ای در رثای عشق به خداوند و راه کشف قلبی حقیقت خداوند دانست.

تلاش‌های پازی به ما نشان می‌دهد که برای رسیدن به عشق مطلق چگونه و با چه مرارت‌ها و سختی‌هایی باید از هفت شهر عشق گذشت.

پازی آموخت که برای رسیدن به چنین هدف والایی تنها احساس و اطاعت محض لازم نیست بلکه باید سراپا اشتیاق بود تا به آزادی از تن رسید، از آن عبور کرد و لیاقت ورود به پیشگاه آستان خداوند را یافت. او آن را به دیگران آموزاند و به راهبان و راهبه‌ها نشان داد که تارک دنیا شدن و رنج کشیدن راه درستی برای رسیدن به حق تعالی نیست، بلکه باید از درد و رنج گذر کرد و این هیچ منافاتی با آزادی و زندگی روزمره ندارد؛ پس باید «خواست» تا «شد».

نمایش «پازی» اثری است عرفانی و مذهبی که با حرکات ریتمیک و موسیقی بر صحنه‌ای ساده اجرا می‌شود.

## چکامه‌ای در رثای عشق به خداوند

**نمایش «پازی» اثر عرفانی و مذهبی است که با حرکات ریتمیک و موسیقی بر صحنه‌ای ساده اجرا می‌شود**

**آندره پینیا، کارگردان نمایش «پازی» این اثر مذهبی را از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ در سوئیس و دیگر کشورها اجرا کرد**

### درباره کارگردان

آندره پینیا، کارگردان سوئیسی نمایش مذهبی عرفانی «پازی»، کار خود را با نوازندگی پیانو کلاسیک در سال ۱۹۷۰ آغاز کرد. وی در سال ۱۹۹۱مدرک خود را در رشته جغرافیای انسانی و اقتصاد از دانشگاه ژنو گرفت و در سال ۱۹۹۰ عضو مؤسسه ارتباطات اجتماعی شد.

پینیا تاکنون آثار موسیقایی بسیاری برای نمایش‌های صحنه‌ای خود و دیگران ساخته است. این کارگردان سوئیسی که گرایش زیادی به تولید و به صحنه بردن آثار مذهبی به شیوه حرکات عرفانی و ریتمیک دارد، از سال ۲۰۰۰ تاکنون با نمایش‌هایش در جشنواره‌های مختلف اروپایی حضور پیدا کرده است.

کارگردان نمایش «پازی» از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ این نمایش را به همراه نمایش‌های «شنبه مقدس»، «تروئل» و «افسانه دوری» در سوئیس و دیگر کشورها به اجرای عمومی گذاشته است.

# ۱۰ ساله ملاصدرا از جشنواره تئاترفجر دور می‌شود

## سید عظیم موسوی، نویسنده و کارگردان «صد راه صدرا»:

**سید عظیم موسوی در سال‌های اخیر عمده فعالیت‌های خود را به مطالعه و تحقیق در عرصه نمایش‌های ایرانی و آیینی گذرانده است. وی در جهت ثبت تعزیه در فهرست میراث معنوی یونسکو نیز مسئولیت داشته است. «صد راه صدرا» عنوان نمایشی است که در بخش چشم‌انداز تئاتر ایران به نویسندگی و کارگردانی سید عظیم موسوی و آهنگسازی مجید درخشانی در تالار مولوی روی صحنه می‌رود. او معتقد است این نمایش یکی از متفاوت‌ترین آثاری است که در مورد شخصیت ملاصدرا روی صحنه رفته است.**

**گویا این اثر نمایشی که در جشنواره شاهد اجرای آن هستیم، مسیر طولانی را پیموده که توانسته در این دوره سرانجام روی صحنه برود؟**

نمایش «صد راه صدرا» ۱۰ سال پیش یعنی سال ۷۸ در جشنواره تئاتر فجر مورد پذیرش قرار گرفته بود، اما به خاطر هزینه‌های هنگفتی که داشت و ارکستر بزرگی که برای آن نیاز بود، اجرا نشد، البته در چند دوره دیگر هم با وجود این‌که از حجم کار نیز کاسته شد، باز هم موفق نشدیم این اثر نمایشی را روی صحنه ببریم چرا که قرارداد خاصی برای اجرای این نمایش به لحاظ بودجه وجود داشت که مبلغ آن را نمی‌دادند. تا این‌که در این دوره تلاش کردم تا باز هم از حجم کار بکاهم، بنابراین، فضای حجیم و لباس‌های فاخر نمایش را برداشتم و آن‌را تا حدی به زمان روز نزدیک کردم و ... به این ترتیب تمرین این اثر نمایشی را با یک گروه حرفه‌ای از هنرمندان موسیقی، تئاتر و کر آغاز کردیم.

به هر حال، نمایش «صد راه صدرا» یا «ملاصدرا» یکی از دغدغه‌های من از گذشته بوده؛ به خاطر این‌که این شخصیت برایم جذابیت داشت.

معتقدم حرف‌ها و نظرات او ۴۰۰ سال پابرجا بوده است و با گذشت این همه سال، هنوز حرفی برای گفتن دارد. همین است که متن از ۱۰ سال پیش تاکنون هنوز کهنه نشده. شاید خواست اصلی من برآورده نشده باشد، ولی به هر حال نوبت این رسیده که من این نمایش را اجرا کنم.

**شما در این اثر نمایشی چه تمهیداتی را در نظر گرفته‌اید تا به موانع معمول در اجراهای برگرفته از اساطیر و الگوهای ایرانی برخورد نکنید؟**

ابتدا از شیوه نمایش‌های ایرانی از جمله تعزیه و تخت‌حوضی گرته‌برداری کردم و قالب کلی نمایش را طنزی کم‌رنگ گذاشتم تا تماشاگر پس نزند. در عین حال، معتقدم نمی‌شود شخصیت‌های فلسفی و بزرگی مانند ملاصدرا را با بار عرفانی و فلسفی که دارند، خشک و خالی اجرا کرد.

به هر حال، آن چیزی که روی صحنه این نمایش دیده می‌شود، از نظر و صافی فکر من گذر می‌کند، نه این‌که صدرا همین است که عظیم موسوی می‌گوید. بلکه من معتقدم شخصیت ملاصدرا آن‌قدر وسعت دارد که در قالب نمایش به‌ندرت گنجانده می‌شود. این کار بسیار سختی برای کارگردانی آثار نمایشی برگرفته از الگوهای اسطوره‌ای ایرانی است. از سوی دیگر، شخصیت‌های فلسفی فراز و فرودهای حماسی ندارند. بنابراین، باید تمهیدات دیگری را اندیشید. در حال حاضر تقریباً در مورد به کار گرفتن این تمهیدات راضی هستم.

**این نمایش در پی روایت تاریخ و یا اندیشه‌های ملاصدرا نیست. من فقط می‌خواستم به زندگی بیرونی این شخصیت بپردازم**

**پس ما در این اثر می‌توانیم انتظار دیدن یک ملاصدرای متفاوت را داشته باشیم؟**

بله، احتمال دارد که این اتفاق بیفتد. البته آن‌چه من در جشنواره اجرا می‌کنم با آن‌چه در اجرای عمومی این نمایش خواهید دید، کاملاً فرق خواهد داشت. اما با این همه تصور می‌کنم که یک ملاصدرای متفاوت خواهیم دید.

**با توجه به حساسیت‌هایی که شخصیت‌های اسطوره‌ای می‌توانند ایجاد کنند، نگران سوءتعبیرها نیستید؟**

بله، این امکان وجود دارد؛ چرا که اگر شما بخواهید راجع به هر اندیشمندی صحبت کنید و حتی بهترین اثر را هم ارائه دهید، باز عده‌ای هستند که نظر خاص خود را دارند و می‌گویند این آنی نبود که ما در تاریخ دیدیم و می‌شناسیم. من نمی‌خواهم تاریخ را روایت کنم و حتی نمی‌خواهم اندیشه‌های ملاصدرا را روایت کنم، چرا که اگر به عنوان نمونه در مسأله وجود و حرکت جوهری و معاد جسمانی وارد شوم، به طور مسلم کار بسیار پیچیده خواهد شد و از حوصله تماشاگر نیز خارج است. می‌خواهم این شخصیت که اساساً یک شخصیت دوست داشتنی بوده است را به تماشاگر نشان دهم و بگویم ملاصدرا هم انسانی مثل انسان‌های دیگر است. ما می‌خواهیم زندگی بیرونی ملاصدرا را نشان بدهیم، بنابراین تماشاگری که از ملاصدرا فقط نام یک خیابان را در ذهن خود دارد، می‌آید و این چنین با شخصیت بزرگ او آشنا می‌شود.

صحنه‌ای از تمرین نمایش «صد راه صدرا»

رسول نقوی در مقام بازیگر، کارگردان و نویسنده از سال ۶۸ فعالیت نمایشی خود را آغاز کرده است. این دانشجوی کارشناسی مدیریت آموزشی از سال ۷۸ در بیشتر جشنواره‌های نمایشی شرکت کرده و نمایش «سه جلد» آخرین اثری است که مدتی پیش در تالار مولوی به روی صحنه برد. نمایش «ورودیه پنج» که در این دوره در بخش چشم‌انداز جشنواره فجر حضور دارد، به داستان پهلوان شهری می‌پردازد که به دنبال جانشین خود است. وی توسط خانواده‌اش مردم شهر را می‌آزماید و مورد امتحان قرار می‌دهد ولی درمی‌یابد که مردم هنوز به آمادگی لازم جانشینی او نرسیده‌اند. در این گفت‌وگو نقوی از ارتباط نمایش‌اش با تماشاگر می‌گوید و از بازیگرمحور بودن آن و همچنین حضورش در بخش چشم‌انداز جشنواره.

رسول نقوی، نویسنده و کارگردان نمایش «ورودیه پنج»:

# جانشینی برای پهلـــــــوان شهر

**با توجه به این‌که نمایش شما مربوط به دورهٔ تاریخی خاصی از ایران می‌شود، برای ارتباط پویاتر با تماشاگر امروز چه تمهیداتی اندیشیده‌اید؟**

اگر بخواهیم با تم‌های نمایشی ارزیابی کنیم، تم «حسادت» غالبا در هر دوره‌ای وجود داشته و به شکل خاص خود نمود داشته است.

ما در واقع، این‌جا چالش حسی آدم‌ها را دنبال می‌کنیم؛ از این جهت که وقتی مردمی جمع می‌شوند و می‌خواهند کسی را به عنوان رهبر یا راهبر انتخاب کنند، می‌بایستی همه به این باور رسیده باشند و این اعتقاد قلبی آن‌ها شده باشد. اگر این وسط کسانی باشند که بخواهند این قضیه را طور دیگری رقم بزنند، همین دلیلی می‌شود برای این‌که در آن زمان دسیسه‌ای اتفاق بیفتد.

این راهبری صرفاً به معنای خاصی تلقی نمی‌شود. پهلوان نمادی از یک جریان است که می‌خواهد عدالت و خیر را در شهر رواج دهد. قاعدتاً کسانی که به خاطر منافع شخصی خودشان این موضوع را باور ندارند، تلاش می‌کنند مانع این قضیه شوند. همین موانع باعث می‌شود خیلی از اتفاق‌ها رقم بخورد. به هر حال، درست است که ما یک مقطع زمانی را برای بازگویی قصه انتخاب کرده‌ایم، ولی این به دورهٔ خاصی برنمی‌گردد و در هر دوره‌ای ممکن است این اتفاق‌ها رخ بدهد.

**در تیتر نمایش شما بازیگرمحور است. ویژگی اصلی نمایش هم می‌تواند در تفاوت جنس بازی بازیگران نمایش تبلور پیدا کند. این موضوع چقدر دغدغه شما بوده است و آیا تمهیدی برای آن داشته‌اید؟**

از آنجا که دغدغه بازیگری را دارم و اعتقاد شخصی‌ام این است که بازیگر حرف اول و آخر را در نمایش می‌زند، سعی می‌کنم در شیوه و ژانری که کار می‌کنم، این باور ظهور پیدا کند. نمایش من همچون یک نمایش ایرانیزه است. در واقع، تماشاگر ایرانی قصه و داستان‌گویی را خیلی دوست دارد، این قصه هم از زبان بازیگر بیان می‌شود. بنابراین، وقتی چنین باور کلی در وجود بنده نهفته است، می‌کوشم آدم‌هایی را هم که در صحنه، این قصه را روایت می‌کنند، به این باور برسانم. این باور می‌شود همان بازی درست؛ این باور همان بازیگرمحوری است؛

**در نمایش پهلوان نمادی از جریانی است که می‌خواهد عدالت و خیر را در شهر رواج دهد، این ماجرا درهر دوره و زمانی می‌تواند اتفاق افتد**

احمد ایرانی‌خواه، کارگردان نمایش «ارغوان»:

# فضای نمایش؛ تلخی اسارت را تعدیل می‌کند

احمد ایرانی‌خواه کارگردان و بازیگر جوانی است که در سال ۱۳۷۲ با تأسیس گروه «کارگاه تجربی نمایش» کارش را آغاز کرد. وی در چند سال اخیر با روی صحنه بردن آثار ملیحه مرادی جعفری (همسرش)، گام‌های محکم‌تری را در وادی هنر تئاتر برداشته است. او در نمایش «ارغوان» به روایت داستان زنی می‌پردازد که به واسطه شباهت زندگی‌اش با وقایع یک رمان، به دنبال نویسنده آن اثر می‌گردد. وی دربارهٔ نحوه رسیدن به ایده نمایشنامه، ساختار و طراحی نمایش و در نهایت استفاده از تکنیک چند رسانه‌ای در «ارغوان» سخن گفته است.

**شما چند سالی است که نمایشنامه‌های همسرتان را به روی صحنه می‌برید. ظاهراً ایدهٔ اولیه نمایشنامه‌ها از شماست و او این ایده را تبدیل به نمایشنامه می‌کند.**

این که چند سالی است با هم همکاری می‌کنیم، به طور طبیعی نشان‌دهندهٔ اشتراک نظر ما بر مبنای تفاهم است. گاهی ایده‌ها از من‌است اما برخی ایده‌ها از خود اوست. نمایش «ارغوان» که در جشنواره حضور دارد، ایدهٔ بکر نویسند است. اصولاً ما به شکل گروهی کار می‌کنیم یعنی ممکن است گاهی ایده‌ای به ذهن من برسد – مثل ایدهٔ نمایش «راز ماهی آکواریوم آقای ژان» و خانم مرادی آن را می‌نویسد، ولی در این نمایش ایده متعلق به نویسنده است و حس می‌کنم او متن نو و جدیدی را پی‌ریزی کرده است.

**در مورد این نو و جدید بودن نمایشنامه توضیح بدهید. آیا منظورتان نوآوری در ساختار است؟**

طبیعی است که در ساختار نمایشنامه به دنبال این تازگی بگردیم. متن یک ساختار ارسطویی دارد ولی تفاوتی که اکنون وجود دارد در جنس زبانی است که نویسنده نمایشنامه اتخاذ کرده است. این زبان، دوگانه است؛ یکی زبان رمان و دیگری زبان محاوره‌ای است که شخصیت‌ها دارند. نویسنده به نوعی یک رسانه دیگر را وارد کار کرده که همان رسانهٔ رمان است. در این ساختار ارسطویی که طرح‌ریزی شده، در جایی ما با زبان آدم‌های قصه جلو می‌رویم و در جایی، با زبان آدمی که داخل رمان است؛ یعنی به نوعی دانای کل روایت می‌کند. تفاوت دیگری که در ساختار این نمایش وجود دارد، این است که در انتهای نمایشنامه نتیجهٔ اتفاق‌های داخل متن مشخص می‌شود ولی در این متن پایان بازی وجود دارد و ما نتیجه قطعی نمی‌گیریم. یعنی به نوعی نمی‌دانستیم چه اتفاقی برای شخصیت محوری نمایش می‌افتد. مزیت دیگری که نویسنده در ساختار نمایش به آن رسیده انطباق نقطه اوج و تحول بر هم است، به نوعی ساختار نمایشنامه از اصول مدرن پیروی می‌کند؛ مانند نمایشنامه «اولئانا» نوشته دیوید ممت که در آن‌جا دو نفر هستند که بر سر قضیه‌ای با هم درگیرند. در این‌جا نیز دو نفر با نویسنده‌ای که رمانی را نوشته است، روبرویند و یکی از آن‌ها مانع رسیدن دیگری به نویسنده می‌شود.

**یکی از مزیت‌های نمایشنامه انطباق نقطهٔ اوج و تحول بر هم است. به نوعی ساختار از اصول مدرن پیروی می‌کند**

**پس نمایشنامه شما کاملاً شخصیت محور است و متکی به بازی بازیگران. آیا از عناصر دیگر نمایش به گونه‌ای که تأثیرگذار باشند و به چشم بیایند، استفاده نمی‌کنید؟**

درست گفتید نمایشنامه کاملاً متکی به بازیگران است، ولی اهمیت عناصر در آن درجه‌بندی دارد. در درجه اول، بازیگران‌اند؛ چون بار متن را به دوش می‌کشند. در درجه دوم، چیزی که از نظر ظاهری جلب توجه می‌کند طراحی صحنه است. طبیعتاً تماشاگر اگر حدود یک ساعت یک فضای ثابت را ببیند، خسته می‌شود. بنابراین، من باید به سمت یک دکور چشم‌نواز می‌رفتم.

**آیا عنصر دیگری مانند موسیقی نمی‌توانست در ایجاد جاذبه کارایی داشته باشد؟**

مکث‌ها و سکوت‌ها در این نمایش، به نوعی موسیقی اثر است. اگر چیز دیگری را به این اثر تحمیل می‌کردم، فضای میان دو شخصیت یادشده را از بین می‌بردم. این موضوع را واگذار

تماشاگر ایرانی داستان‌گویی را دوست دارد. «ورودیه پنج» نیز یک نمایش ایرانیزه است و از زبان بازیگر روایت می‌شود

یعنـی این‌که غالباً تـلاش ما در تمرین‌ها این اسـت که بازیگران فضا را درک کنند تا تماشاگر بتواند آن‌ها را درک کند.

**پس با توجه به صحبت‌هایتان، شـما عناصـر دیگـر نمایـش را در خدمت بازیگر می‌بینید؟**

بله، اعتقاد کلی من این اسـت. البته این اعتقاد می‌تواند درست باشد و یا نباشد. در شیوه کاری که انجام می‌دهم، غالباً بازیگر اسـت که همه چیـز را تعریـف می‌کند. بازیگر زمان و مکان را هم تعریف می‌کند. چون تماشاگر ما قراردادها را خیلی خوب می‌فهمد، وقتی شما یک چیز را به عنوان قرارداد به او دیکته می‌کنید آن را می‌پذیرد و دیگر الزامی نـدارد که بخواهد عین آن اتفاق را در صحنه ببیند. مثلاً اگر قرار باشد نمایـش من در فضای یک قهوه‌خانه اتفاق بیفتد، من با نشانه‌هایی به او می‌گویم که اینجا قهوه‌خانه است. در این‌جا دیگر بازیگر است که همه چیز را تعریف می‌کند.

**حضور درجشـنواره پیش از اجرای عمومی را چطور ارزیابی می‌کنید؟**

برای بنده و دوسـتانی که می‌شناسـم، معمولاً جشـنواره‌ها مسـیری است که ما را به اجرای عمومی می‌رسـاند. به نظر من این نکتهٔ مثبتی اسـت زیرا نمایش آماده شـده قبل از اجـرای عمومی، می‌تواند در ابعـاد محدودتری مورد ارزیابی قرار بگیرد تا تکلیف این که اجرای عمومی داشته باشد یا نه، مشخص شود.

البته شکل دومی هم وجود دارد که خیلی از نمایش‌ها اول اجرای عمومی دارند و بعد به جشـنواره وارد می‌شوند. هر یک از این گونه‌ها مزیت‌هایی برای کارگردان دارند.

مکث‌ها و سکوت‌ها در این نمایش به نوعی موسیقی اثر است. باید ببینیم از داخل صحنه برای موسیقی چه اتفاقاتی می‌افتد

کـردم به این‌که ببینـم از داخل صحنه برای موسیقی چه اتفاقاتی می‌افتـد. لپ‌تاپـی داخل صحنه است که شویی را پخش می‌کند و موسیقی را از همان گرفتم. اگر شـما به این نتیجه رسیده‌اید که نمایش شـخصیت‌محور اسـت، چـرا من چیزی را از بیرون به آن تحمیل کنم. بنابراین، اجازه داده‌ام تا اثر مرا به سمتی که می‌خواست، هدایت کند.

**بـا توجـه بـه حضـور دو شخصیت روی صحنه، عاملی که می‌تواند در جذب تماشاگر به شما کمک کند معاصر بودن شـخصیت‌های نمایش است. دغدغه شخصیت نمایش شما چقدر به روز است؟**

آن‌چـه در درجـهٔ اول در نزد هر تماشـاگری ایجـاد جذابیت می‌کنـد، دیدن فضای یک مزون اسـت. نویسنده به این فکر کرده و در اثـری که دربارهٔ زنان جنگ یا بهتر بگویم زنان اسـیر اسـت، پی‌برده داستان را چگونه شیرین بیان کند تا تماشـاگر پس نزند. بـه جرات می‌توانـم بگویم ما در تئاترمان هیچ وقت به زنان اسـیر فکر نکرده بودیم. به همین دلیل، سراغ این فضا رفتیم تا تماشاگر به گونه‌ای با شخصیت‌های نمایش ما ارتباط برقرار کند.

از آن‌جا که لباس یکی از مسائل مهم زنان امروز به شـمار می‌رود، نویسنده یک مزون لباس را محل روایت داستان خود قرار داده است؛ زیرا اگر در هر جای دیگری به آن می‌پرداختیـم، ایـن قضیه تلخ و سرد می‌شد.

**آیا ارتباط معنایی میان این فضـا (فضـای یک مـزون) با مضـون و اندیشـه پنهان در نمایشنامه وجود دارد؟**

در درجهٔ اول به جذابیت ظاهری مکان فکر کردم. من زمانی موفق هسـتم که بتوانم تماشـاگر را به لذت بردن از هنر نمایش نزدیک کنـم. در فضای نمایش ما که بار اسارت بر دوش زن است، نویسنده فکـر کرده چگونه این تلخی را از اثر بگیـرد. بعد کم‌کـم این فضا برای ما زمینهٔ اتفاقی می‌شود که دیدنی اسـت. پس فضای مزون مهم نیست، بلکه این اتفاق است که تماشـاگر را درگیر می‌کند و در پی آن، عملکرد شخصیت‌ها با اهمیت می‌گردد.

**در این نمایش از رسانه‌های دیگری هم استفاده می‌کنید. در این زمینه توضیح دهید.**

در این نمایش ویدئو پروجکشن دیـده نمی‌شـود، ولـی کار چند رسانه‌ای است؛ به این دلیل که من از رسـانه‌های مختلفی در نمایش استفاده می‌کنم. سفال نیز در این اثر یک رسانه است زیرا تاریخ و ملیتی را بازگو می‌کند. همچنین رمان به تنهایی می‌تواند یک رسـانه باشد. بنابراین مولتی‌مدیا فقط استفاده از ویدئو پروجکشن نیست.

# طرح بیداری در عالـــم خواب

## «۱۱:۱۱» به کارگردانی رکسانا صابری و حسن برزگر

در نمایش «۱۱:۱۱» بحث درباره خواب و بیداری، مرزهای موجود میان آن‌ها و تداعی سیال بودن خواب است

حسن برزگر می‌گوید که متن نمایش «۱۱:۱۱» را سه سال پیش نوشته و امسال آن را بازنویسی کرده است. در این نمایش ایـده بیـداری در عالم خواب مطرح می‌شـود. برزگر بر خلاف نمایشـنامه موفق قبلی خود «واقعیت اینه که خورشید دور ما می‌چرخه» بحث مواجهه حقیقت و واقعیت را پیش می‌کشـد. در ایـن نمایش پرسـوناژ اصلی در مجموعـه‌ای از خواب‌ها در آمد و شد است.

اینجـا بحث دربارهٔ خواب و بیـداری و مرزهای موجود میان آن‌هاسـت. یک سوم عمر هر انسـان در خواب می‌گذرد. آیا بر آن تسلط داریم؟ خواب در اختیار بیداری است؟ شباهت خواب با مرگ در چیسـت؟ شـخصیت اصلی نمایش در خواب‌هایش اسـیر است و خواب‌هایش تمامی ندارد. او که برای دست پیدا کـردن به عالم بیداری مشـکل دارد، تصمیم می‌گیرد بخوابد، اما با همسـرش در چالش است. این دو شخصیت قصه را جلو می‌برند و در این میانه اتفاق‌های مختلفی می‌افتد.

این آدم به زنش بدبین است. زنش سعی در بیداری‌اش دارد و او دست آخر دست به دامن خدا می‌شود. در اینجا و در اجرای نمایش، با شکسـت فضا روبه‌روهسـتیم. لحظاتی نیز فضاها در هـم می‌غلتند و در هم فرو می‌روند، جـوری که قابل تفکیک نیسـتند. در این تغییر فضا، از خوابی به دیگر خواب می‌رویم. البته تعویض صحنه‌ای در کار نیست. هدف تداعی سیال بودن عالم خواب است. مهم عدم ایجاد گسست میان تماشاگر و آنچه از فضا می‌بیند، است.

برزگر معتقد اسـت، نمایـش ایده‌های وجودی خود را تولید می‌کنـد و گـروه اجرایی پیرو او بوده‌انـد. وی این فضا را یک فضای خلاقه می‌نامد.

در این خواب‌ها، برخی خاطرات گذشـته شـخصیت اصلی، اتفاقات کنونی و آنچه در آینده خواهد بود، حضور دارند. این‌ها مجموعه عواملی‌اند که این آدم را احاطه کرده‌اند. این‌جا فقط خواب نشان داده می‌شود و تعبیر آن بر عهده تماشاگر است.

شخصیت نمایش در خواب راه می‌رود، حرف می‌زند و زیست می‌کند. سوای این‌ها، آدم‌های دیگری مثل همسرش و یک دکتر دندانپزشک که دوسـت خانوادگی آن‌هاست، در خواب‌های او حضور دارند.

در ایـن بیـن، یک نکته اصلی مطرح می‌شـود که آیا خواب مهم اسـت یـا خواب بیننده؟ در این نمایـش البته تکیه روی خواب بیننده است.

همچنین چیسـتی عالم خواب مورد پرسش قرار می‌گیرد و این که چه تفاوتی میان خاطره و خواب وجود دارد یا گذشـته بـا خواب چه فرقی می‌کند؟ بیـداری یعنی چه؟ و بالاخره در آستانه بیداری، نمایش تمام می‌شود.

نوع میزانسن و چگونگی پیشروی بازی‌ها به سبب فضایی که تولید شده، خود راه خود را یافته است. اثر، چیزهای زائد را از خود پس زده و آن‌هایی را که لازم داشـته، جذب کرده است. «۱۱:۱۱» وابستگی زیادی به نور دارد.

در این راسـتا، صحنه و نور تبدیل به عوامل بسـیار مهمی می‌شـوند. نور در عین سـادگی، مسـئول ایجاد فضـا در این نمایش است.

استقبال تماشاگران از پنجمین روز جشنواره فجر/ عکس: اکبر ترابی

اتللو/ عکس: اکبر ترابی

همسر تحت کنترل/ عکس: رئوفه رستمی

تور عروس/ عکس: رضا موسوی

غنی/ عکس: احمد نشان

سید صادق موسوی (مدیر دفتر توسعه تئاتر کودک) در حال تماشای تئاتر کودک، صلح و شادی/ عکس: اکبر ترابی

هدا گابلر/ عکس: ناصر عرفانیان

نمایشگاه کودک / عکس: احمد نشان

در قاب‌های تمام‌قد/ عکس: مانی لطفی‌زاده

خانه کاغذی/ عکس: رئوفه رستمی

وقتی زمین دروغ می گوید/ عکس: رضا موسوی

خانی دیگر برای رستم/ عکس: احمد نشان

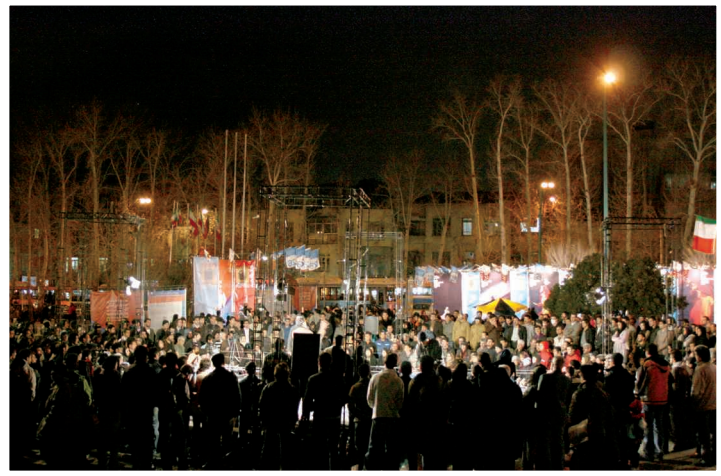

گرگور/ عکس: احمد نشان

قرگوز/ عکس: مانی لطفی زاده

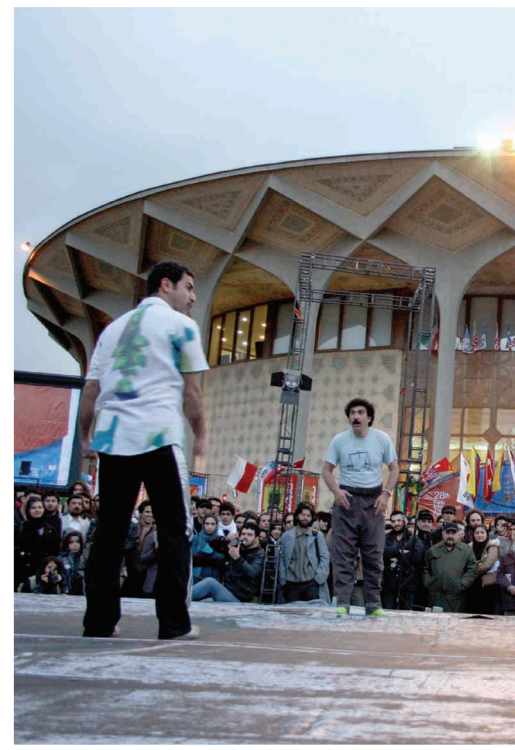

کالیگولا/ عکس: میلاد پیامی

منوچ/ عکس: احمد نشان

# تصوراتی ترسناک از شهری به‌هم‌ریخته

## «رؤیاهای کوچک» به کار گردانی فرانچسکو دنیس از ونزوئلا

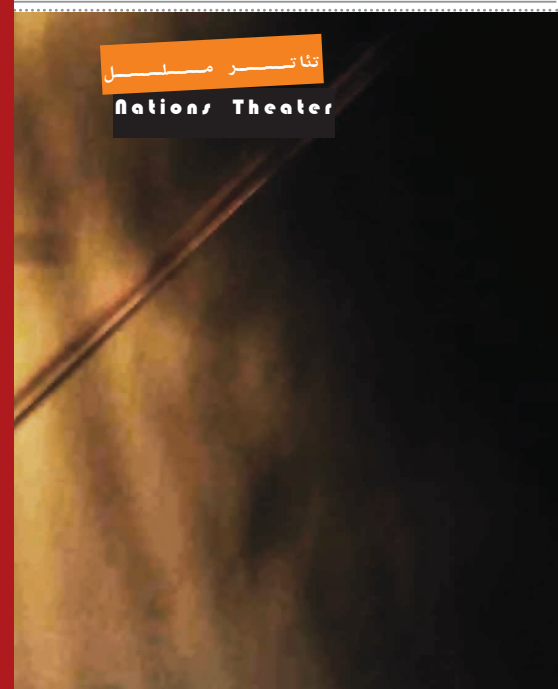


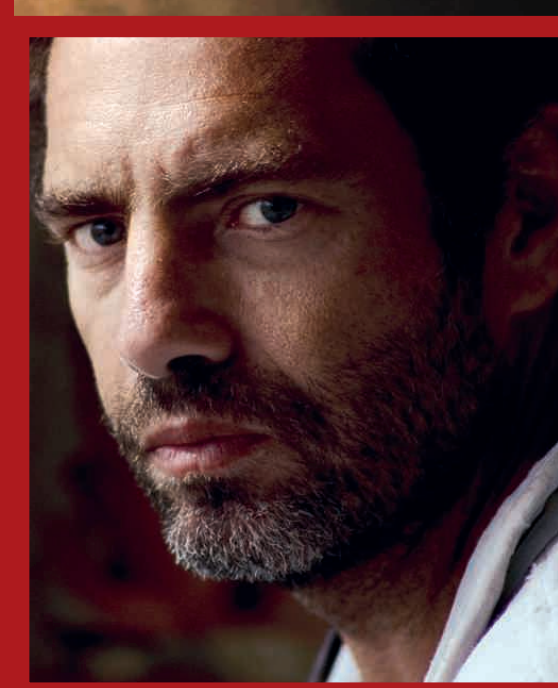

### «رویاهای کوچک» از زبان تالیا فالکونی

نمایش «رؤیاهای کوچک» اثری از کشور ونزوئلا در آمریکای لاتین است. داستان این نمایش دربارهٔ رؤیای رخدادهای یک شهر کوچک است.

در «رؤیاهای کوچک» اثر فرانچسکو دنیس، هنرمند مشهورِ حرکات موزون و باله آمریکای لاتین بازی می‌کند. تالیا فالکونی خود درباره این نمایش می‌گوید: «من رؤیای یکی از شهرهای کوچک آمریکای لاتین را در سر می‌پرورانم، شاید شهر «ماراکایبو». شهر و مردمان آن زندگی روزانه خود را به طور مستقل و بدون ارتباط با دیگر شهرها سپری می‌کنند، چه به صورت تصنعی و چه انسانی. بازار تمامی حریم خیابان‌ها را به اشغال خود درآورده است و در آن همه چیز می‌فروشند، از شیر مرغ تا جان آدمیزاد. بازار از دوردست‌ها همچون سوسمارهایی رخ می‌نماید که پسرکی آن‌ها را به یکدیگر گره زده باشد.

گرما غیر قابل تصور و تحمل نکردنی است تا جایی که نمی‌توان اجساد سگانی که زیر ماشین رفته‌اند را از گزند فساد در امان داشت. مردمان بسیاری درهم می‌لولند؛ بسیاری مرده‌اند؛ چیزهای بدلی و جعلی بسیاری دیده می‌شود؛ عروسک‌های بدون سر زیادی وجود دارد و همه چیز غیرمنطقی است. احساسات متناقض و جانوران غیرمعمول‌اند، شهر بی‌مصرف می‌نماید و من همچون عروسکی به پرواز درمی‌آیم، گرفتار در تصورات خودم؛ نفرین‌شده و بی‌هویت.»

نمایش «رؤیاهای کوچک» در ظاهر و در لایه رویین تنها نمایش تصورات ذهنی است، از شهری رؤیایی که در آن همه چیز درهم‌ریخته به نظر می‌رسد؛ شهری همچون شهر ارواح حرص و آز که ساکنان آن بی‌توجه به یکدیگر و محیط پیرامونی‌شان، تنها به گذران زندگی خود فکر می‌کنند.

### چهره‌ای گروتسک‌وار از فقر مردمان آمریکای لاتین

این‌گونه به نظر می‌رسد که دست‌اندرکاران این نمایش می‌کوشند تا چهره‌ای گروتسک‌وار از فقر و فلاکت و تنگدستی مردمان آمریکای لاتین ارائه دهند، آن هم در قالب رؤیایی ترسناک. شاید از آن رو نمایش در قالبی رؤیاگونه به تصویر کشیده می‌شود تا از تلخی آن کاسته شود یا این‌که دست‌اندرکاران نمایش می‌خواهند مخاطبان را از یک کابوس هولناک بیدار کرده، واقعیت بیرونی را به آن‌ها بنمایانند و بگویند این بود رؤیا، که چیزی نیست همچون واقعیت. این اثر در سال ۲۰۰۷ جایزه بهترین نمایش را از جشنواره حرکات ریتمیک ونزوئلا دریافت کرد.

فرانچسکو دنیس بر این باور است که اجرای هر نمایش، ورود به یک ماجرای هیجان‌انگیز محسوب می‌شود.

**این نمایش در ظاهر و لایه رویین تنها تصورات ذهنی است از شهری رویایی که در آن همه چیز درهم ریخته به نظر می‌رسد**

### درباره کارگردان

دنیس که متولد ۱۹۶۲ است، به عنوان بازیگر و کارگردان تئاتر در گروه تئاتری «ریو تئاترو کارائیب» فعالیت حرفه‌ای خود را دنبال می‌کند. پیش از آن، این کارگردان ونزوئلایی مطالعات و تجربیات خود در زمینه هنرهای نمایشی را با همکاری در گروه کلمبیایی «مالایربا» کسب کرد؛ جایی که به مدت شش سال در جشنواره‌های مختلف و اجراهای عمومی به عنوان بازیگر به صحنه می‌رفت. در سال ۱۹۸۹، دنیس به فرانسه سفر کرده و مطالعات خود را در زمینه تئاتر در مدرسه بین‌المللی «نمایش حرکت» زیر نظر ژاک لاکوک تکمیل کرد.

پس از آن بود که دنیس به مؤسسه تولیدات تئاتری فیلیپ جنتی پیوست و در تورهای نمایشی بین‌المللی و جشنواره‌های بزرگ تا سال ۱۹۹۴ شرکت جست.

او تاکنون کارگاه‌های آموزشی بسیاری درباره تفسیر، تأویل و درک تئاتر در کشورهای ونزوئلا، کلمبیا، اکوادور و اسپانیا برگزار کرده است.

### فالکونی، هنرمند حرکات موزون و باله در آمریکای لاتین

از دیگر ویژگی‌های نمایش «رویاهای کوچک» حضور بازیگر و استاد حرکات موزون آمریکای لاتین، تالیا فالکونی در آن است.

فالکونی که متولد ۱۹۶۷ اکوادور است، طراح حرکات موزون و بازیگر گروه نمایشی «ریو تئاترو کارائیب» به‌شمار می‌رود. این بازیگر در مدرسه حرکات موزون معاصر مارتا گراهام در نیویورک، تحصیل خود را به پایان رساند و سپس در مدرسه نمایش‌های میدانی و دانشکده «تئاتر حرکت» در پاریس شرکت کرد. او در ۱۹۹۳، مدرک خود را در رشته آموزش حرکات موزون از دپارتمان فرهنگ فرانسه دریافت کرد.

فالکونی تاکنون کارگاه‌های آموزشی متعددی در زمینه آمادگی جسمانی و حرکتی برای بازیگران در اکثر کشورهای آمریکای لاتین برپا کرده است.

بهاره برهانی: بخش خیابانی بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر امروز هفتم بهمن ماه آخرین روز خود را با اجرای ۱۱ نمایش در بخش‌های منتخب جشنواره‌ها، بخش ویژه انقلاب اسلامی و بخش خارج از مسابقه سپری می‌کند. برگزیدگان این بخش‌ها در اختتامیه‌ای که روز هشتم بهمن برگزار می‌شود، معرفی خواهند شد.
در این شماره، قسمت دوم گزارش بخش تئاتر خیابانی را آورده‌ایم. بخش اول این گزارش در نشریه روز دوم (صفحه ۱۷) درج شده است. گزارش نمایش‌های برگزیده جشنواره مریوان نیز در روزهای آینده منتشر می‌شود.

نمایش‌های خیابانی جشنواره بیست و هشتم در یک نگاه (۲)

# آخرین روز برای بخش خیابانی

## عشق + عشق

نمایش «عشق + عشق» به کارگردانی مسعود محرابی از تهران ازجمله نمایش‌های مربوط به بخش انقلاب است. داستان دو رزمنده در میدان مین که در انتظار دوستانشان هستند. آن‌ها در این انتظار، به بازگویی خاطرات خود از انقلاب و دوران سربازی در سال ۵۷ می‌پردازند و ...

مهرابی که عضو هیأت مدیره انجمن نمایشگران خیابانی خانه تئاتر است، استعاره‌های موجود در طرح داستان، دلتنگی‌ها و حس فراموش‌شدن این اشخاص را برای اجرای خیابانی جالب توجه عنوان می‌کند و می‌گوید: «این نمایش به شیوه بازی در بازی در نمایی وهم‌انگیز و سورئال اجرا می‌شود.»

این هنرمند که از سال ۷۶ در حوزه تئاتر خیابانی فعالیت داشته است، حضور کشورهای دیگر که از سال ۸۲ اتفاق افتاده است را گام مؤثری در راستای ارتقای تئاتر خیابانی و تغییر دید مدیریت می‌داند.

عشق + عشق

## کانال کمیل

«کانال کمیل»، نمایش دیگر بخش انقلاب، اثری از حمیدرضا نوری از گروه نمایش سوره تهران است. به گفته این کارگردان، ایدهٔ «کانال کمیل» از یکی از اشعار شاعر بسیجی مرحوم ابوالفضل سپهرآمده که توسط حمیدرضا نوری برای اجرای خیابانی تنظیم شده است.

او در این نمایش به روایت تعزیه‌خوانی می‌پردازد که به علت نیامدن دوستانش، برای ادامهٔ مجلس از تماشاچیان کمک می‌خواهد. جوانی نقل جبهه و کربلای ایران را می‌گوید و ...

نوری این تجربه را در راستای فعالیت‌های ۱۵ سال گذشته خود عنوان می‌کند و می‌گوید: ارزش نمایش خیابانی برایش تا حدی است که بسیاری اوقات کارهای صحنه‌ای را رها می‌کند. او که چند نمایش با سبک و سیاق دیگری نیز آماده ارائه داشته، ترجیح داده با موضوع انقلاب در جشنواره بیست‌وهشتم حضور پیدا کند تا بار دیگر به این آرمان بپردازد که کربلای ایران وام گرفته از کربلای امام حسین(ع) است.

## کوچه بی‌انتها

«کوچه‌بی‌انتها» به کارگردانی حامد امان‌پورقرایی یکی دیگر از نمایش‌های بخش خیابانی با موضوع انقلاب است.

امان‌پور که نخستین تجربه خود در حوزه تئاتر خیابانی را عرضه می‌کند، مهم‌ترین اتفاق این نمایش را نگاه تاریخی به یک مقطع خاص در شهر مشهد می‌داند و می‌گوید: «کوچه و خیابان هر شهر، بهترین مستندات برای وقایع انقلاب‌اند.» امان‌پور همچنین می‌افزاید: «برای رسیدن به شیوه اجرایی مناسب و تأثیرگذار سعی کرده‌ایم از رئالیسم صرف فاصله بگیریم و به خیال نزدیک شویم.» داستان این نمایش حکایت یک نوجوان علاقه‌مند به سینما در سال ۵۷ در شهر مشهد است. او جلو سینما با فردی آشنا می‌شود و همراه با او سفری را در شهر آغاز می‌کند، اما در شلوغی شهر او را گم می‌کند و ...

## مسافر زمان

«مسافر زمان» به نویسندگی و کارگردانی پروانه علی‌ضامنی از نمایش‌های شرکت‌کننده در بخش آزاد است. این نمایش حکایت فردی است که در حین روایت داستان رستم و سهراب ناگهان از صندوق بیرون می‌آید و .... پروانه علی‌ضامنی اگرچه دانش‌آموخته رشته نقاشی است، اما به گفته خودش از سال ۷۸ در جشنواره‌های متعددی به‌ویژه در بخش خیابانی حضور داشته است. او درباره این نمایش می‌گوید: «هدفم اجرای نمایشی بود که اگرچه وامدار نمایش ایرانی و سنت‌های مرسوم آن است اما فقط حکایت یک داستان که همه می‌شناسند، نیست. به همین دلیل داستان مردی که از صندوق بیرون می‌آید و به دنبال آن ماجراهایش را اضافه کردم.»

## اعترافات یک مستاجر

نمایش «اعترافات یک مستاجر» به نویسندگی و کارگردانی نرگس خاک کار از ملایر است. این نمایش با استناد به نام‌گذاری سال ۸۸ با نام «اصلاح الگوی مصرف» نوشته شده است. خاک‌کار که طی سال‌های اخیر در بخش خیابانی جشنواره‌های متعدد ازجمله ماه، بانوان، مریوان و ... حضور داشته است، دربارهٔ اثرش می‌گوید: «سعی کردم با طنز به این موضوع نگاه کنم و افراط و تفریط برخی افراد را در مواجهه با این مسائل نشان بدهم.» وی افزود: «نمایش داستان زن و شوهر جوانی است که به دنبال خانه می‌گردند، اما به صاحبخانه‌ای برمی‌خورند که از آن طرف بام افتاده و به خاطر اصلاح الگوی مصرف، آن‌ها را از آب و برق و ... محروم می‌کند.»

## غنی

نمایش «غنی» دیگر نمایش بخش خیابانی جشنواره با محوریت اصلاح الگوی مصرف است. این نمایش که توسط جمشید عسگری نوشته و کارگردانی شده، با رویکردی نسبتاً طنزآمیز و در ۲۵ دقیقه داستان مردی را روایت می‌کند که به خاطر زیاده‌خواهی و عدم توانایی در بازپرداخت پول نزولی دستگیر می‌شود. عسگری که خود یکی از دو بازیگر این نمایش است، می‌گوید: «نمایش ما با فرار این آدم از دست سربازی که او را دستگیر کرده، آغاز می‌شود و با یک فلش‌بک به گذشته و مرور آن‌چه بر سر این آدم آمده، ادامه می‌یابد. در طول داستان، معلوم می‌شود این آدم به دلیل قانع نبودن و چشم و هم‌چشمی با باجناق خود به این روز می‌افتد و ...»

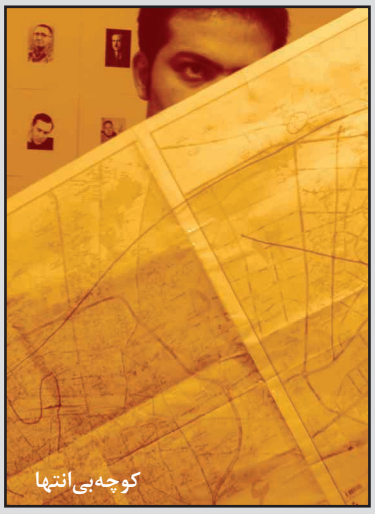
کوچه‌بی‌انتها

## بالاتر از خطر

«بالاتر از خطر» به کارگردانی حمیدرضا مرادی از دیگر نمایش‌های بخش خارج از مسابقه است. مرادی بالاتر از خطر را فرصتی برای مطرح کردن برخی معضلات رایج در جامعه مثل فقر می‌داند که به مرور آسیب‌های اجتماعی دیگری را به دنبال خود می‌آورد.

این نمایش داستان رفتگری است که بر اثر گرفتاری‌های زندگی و مشکلات مادی تصمیم به فروش یکی از بچه‌هایش می‌گیرد و ...

تراژدی آب

## تراژدی آب

«تراژدی آب» به کارگردانی مهدی صالحیار از مرند، نمایشی است که در ۲۵ دقیقه یکی از آئین‌های آذربایجان را که نوعی مراسم طلب باران بوده، زنده می‌کند. صالحیار که این نمایش را پیش‌تر در جشنواره بین‌المللی عروسکی تهران و آئینی- سنتی نیز شرکت داده است، می‌گوید: «حس کردم این آیین‌ها که پشتوانه فرهنگی ما هستند و هیچ سند و مدرکی، جز حافظه قومی از آن‌ها وجود ندارد، رو به نابودی است، به همین دلیل یکی از آن‌ها را در ترکیبی از موسیقی و حرکات موزون اجرا کردم تا برای نسل امروز هم جذابیت داشته باشد.»

«تراژدی آب» داستان آبی است که بی‌اعتنا از کنارمان می‌گذرد و داستان عروسک «چمچه‌خاتون» که می‌خواست ما به آب اعتنا کنیم.

«آوازی که خدا زمزمه می‌کند» نوشته فاطمه مکاری، داستان زندگی پری و مازیار در یک دور باطل است که به نمایش درمی‌آید. صاحب آهنگر که پیش از این نیز آثار فاطمه مکاری را کارگردانی کرده است، دیالوگ نویسی این نویسنده را بسیار می‌پسندد. در این نمایشنامه‌ها، بده بستان دیالوگ‌ها با ضرباهنگی خوب و روان و همه چیز خیلی رک و صریح بیان می‌شود. این نویسنده در متن «آوازی که خدا زمزمه می‌کند»، دید تازه‌ای را ارائه می‌دهد و شیوهٔ نوشتنش درست برخلاف حرکت عقربه‌های ساعت است؛ یعنی زمان از جلو به عقب می‌رود. همین ویژگی‌ها صاحب آهنگر را علاقه‌مند به تولید این نمایش کرده است. او البته در نمایش خود را درگیر با سبک نمی‌کند و دریافتش از متن، چنین سبک و سیاقی را بر اجرا تحمیل می‌کند. به همین دلیل، اجرای «آوازی که خدا زمزمه می‌کند» سورئال شده است. اما شیوه بازی از رئال گرفته شده چون فضا پیچیده و بازی برای گره گشودن از پیچیدگی‌هاست. ۸ بازیگر در ۴ اپیزود حضور دارند که در هر اپیزود ۲ بازیگر بازی می‌کنند. طراحی صحنه خیلی پیچیده است و در آن فضای خانه و وسایل مورد نیازش دیده می‌شود. همچنین در انتهای صحنه چهار در وجود دارد. این درها روی چرخ سوار و متحرک‌اند. لباس‌ها نیز کاملاً واقع‌گرایانه طراحی شده است. نور چندانی در نمایش به کار گرفته نشده و طوری است که بازیگر بنابر نیاز درام، از آن استفاده می‌کند. مثلاً روشن و خاموش کردن آباژور یا چراغ‌ها از آن جمله‌اند. ۴ اپیزود، ۴ قسمت از زندگی است که به طور مجزا توسط بازیگران متفاوت اجرا می‌شوند

«آوازی که خدا زمزمه می‌کند» به کارگردانی صاحب آهنگر

# یک دور باطل از زندگی

**بده بستان دیالوگ‌ها با ضرباهنگی خوب و روان و همه چیز خیلی رک و صریح بیان می‌شود. شیوه نگارش متن نیز برخلاف حرکت عقربه‌های ساعت است**

و توسط تکنیکی شبیه دیزالو در سینما به هم پیوند می‌خورند. حضور بازیگران یک اپیزود در اپیزود قبلی، مقدمه‌ای خواهد شد برای پایان و آغاز اپیزود دیگر. موسیقی در این نمایش براساس موسیقی فیلم «آبی» کیشلوفسکی به کار گرفته شده است. بعضی از این لحظات توسط بازیگران و در زمان اجرا انتخاب و شنیده می‌شود. در چند لحظه نیز این موسیقی زیر متن وجود دارد. شاید طراحی‌های بصری نمایش ریشه در تحصیلات کارگردان داشته باشد. صاحب آهنگر، گرافیک خوانده است و از سال ۷۸ تئاتر کار می‌کند. این نمایش هفتمین اثر وی به شمار می‌رود.

«مردان همیشه به خانه بازمی‌گردند» به کارگردانی عبدا... برجسته

## وفاداری به متن کلاسیک با اجرای مدرن

نمایش«مردان همیشه به خانه بازمی‌گردند» برگرفته از سه‌گانه اورستیای اشیل و الکترای سوفوکل است. عبدا... برجسته که سال گذشته تجربه موفقی را براساس اودیپ شهریار به نام «تله موش پرنسس» به صحنه آورده بود، امسال نیز با گروهش به بازخوانی چند متن دیگر از یونان باستان پرداخته است.

زبان نمایشنامه برخلاف متون کلاسیک که باید آرکائیک باشد، معاصر و امروزی شده‌است.در شیوه اجرای طراحی صحنه، تصویرسازی و فضاسازی ملاک و معیار بوده است. در یک فضای خالی، با عرض ۶، طول ۴ و ارتفاع ۳ متر تمام اتفاقات به وقوع می‌پیوندد. نمایش دقیقاً شبیه خیمه شب‌بازی است و آدم‌ها به وسیله بالابر از بالا وارد صحنه می‌شوند و تصاویر، پیش برندهٔ کل اجرا است. سروش طاهری، فرزانه سلحشور، الهه پژوهی و حسن نامجو به اتفاق ۸ بازی‌ساز دیگر در این نمایش حضور دارند و به شیوه کاملاً کلاسیک بازی می‌کنند. این بازی اغراق شده بنا بر طراحی دکور و وفاداری به متن طراحی و اجرا شده است. اما با این وجود، نمایش کاملاً مدرن و نوین است. طراحی لباس‌ها بنابر شخصیت‌های نمایش دوگانه است. لباس آگاممنون و همسرش کلیمنت کلاسیک ولی لباس اورست و الکترا معاصر است. گریم هم از این قاعده پیروی می‌کند.

موسیقی با آهنگسازی حمید حاتمی‌نژاد ساخته شده است تا اثر با حجم بزرگی دیده شود. بهتر است که تماشاگر متون اورستیای الکترا را خوانده باشد، اما بدون مطالعه هم از پس دنبال کردن نمایش برخواهد آمد. این هشتمین نمایش از عبدا... برجسته است که در مشهد فعالیت هنری دارد.

«خانه کاغذی» به کارگردانی مهدی برومندنیا

## آدم‌های حیوان‌نما در فضای استبداد جنگ

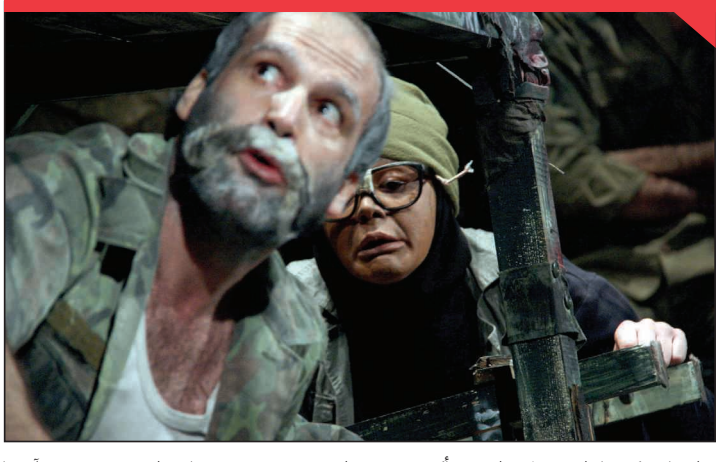

اعضای یک خانواده در تلاش‌اند تا به نقطه اشتراک و گفت‌وگو با همدیگر نزدیک شوند، اما هر بار به سمت چنین خواسته‌ای می‌روند، جنگ باعث می‌شود این اتفاق نیفتد. هر بار در بیرون سکوت و آتش‌بس برقرار می‌شود، خانواده می‌تواند به نقطه اشتراکی برسد و... در این موقعیت، جبر جغرافیایی و استبداد جنگ بر همگان تحمیل شده است.

این گروه نمایشی بر آن است تا با شیوه فانتزی و بازی‌های کاریکاتورگونه، به نمایش شکل بهتری بدهد. در این فضای تلخ و تراژیک جنگی، کمدی و طنز در تضاد با آن قرار دارد و همین تأکید بهتری برای چیره شدن بر آن خشونت آشکار است. در این موقعیت، آدم‌ها بنابر جبر از هویت انسانی خود خارج شده و رفتارشان شباهت غریبی به رفتار حیوانات پیدا می‌کند. زبان طنز ویرانگری جنگ را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. در طراحی صحنه نیز دیوارهای سوخته «خانه کاغذی» دیده می‌شود که در آن گوشه‌ای از یک خانه با چند میز و صندلی به نمایش در می‌آید. یک بلندگو که نماد قدرت جنگ است، مدام اخبار را پخش می‌کند. این طراحی در تضاد با فرم و شیوه اجرا و بازی است، چون در آن‌جا فانتزی و کاریکاتور ملاک است و این‌جا جدیت و خشونت ملاک و معیار برون‌نمایی زیبایی شناسانه شده است. طراحی لباس هم از جنس خود موقعیت است.

لباس همه نظامی است حتی خود زن‌ها هم از همین لباس‌ها می‌پوشند. گریم به‌صورت اغراق شده بر صورت‌ها کاریکاتورگونه استعمال می‌شود. موسیقی زنده و از تلفیق جاز و بلوز و با نوازندگی سازدهنی ، ترومپت، سایددرام و افکت‌های زبان انسانی شکل می‌گیرد.

### یاسر خاسب، نویسنده و کارگردان نمایش «گِل»:

# مواجهه تماشاگر با آب، خاک و آتش

**اساس و پایه نمایش «گِل» چگونه شکل گرفت؟**

نمایش «گِل» سه سال پیش و در تمرین‌های کارگاهی ما بنیان گذاشته شد. در آن زمان، با توجه به این‌که فضای بازی در اختیارمان بود، توانستیم با گِل طبیعی تمرین‌های خود را ادامه دهیم، اما برای اجرا در جشنواره به فضای کارگاه آمدیم و با برخی تغییرات تمریناتمان را ادامه دادیم.

بیشتر حرکات نمایش به تمرین‌های حرکتی، جسمی و روحی بر می‌گردد که در دوران کودکی انجام می‌دادم. «گِل» در واقع، به نوعی یک تئاتر کاملاً فیزیکال است که در آن صرفاً با استفاده از حرکات بدن، مطلب به مخاطب منتقل می‌شود.

**«گِل» قرار است چه مفهومی را به تماشاگر منتقل کند؟**

این نمایش توصیف موقعیتی است که در آن یک انسان می‌کوشد چیز تازه‌ای را خلق کند، غافل از آنکه آن چیزی که خلق می‌کند، در نهایت باعث دگرگونی خودش می‌شود. ما در یک شرایط بسیار سخت و پیچیده فیزیکی، عواطف و احساساتی را که در این خلق و کنش به وجود می‌آید، به مخاطب منتقل می‌کنیم. در نهایت، احساسی که مخاطب از دیدن کار پیدا می‌کند، درک زحمت و سختی‌هایی است که یک کارگر ساده برای انجام کار خود می‌برد.

**«گِل» سه سال قبل هم میهمان جشنواره بود، اجرای امسال چه تفاوتی با جشنواره بیست و پنجم دارد؟**

سه سال پیش این نمایش در بخش خیابانی جشنواره و در سرمای وحشتناک آن سال اجرا شد که بسیار کار سختی بود. به همین دلیل پس از هر اجرا، ما را پتوپیچ به داخل سالن می‌آوردند! تنها انرژی‌ای که از سوی تماشاگران به ما ساطع می‌شد وادارمان می‌کرد تا نمایش را هر طور که هست، تمام کنیم.

**اجرای نمایش خیابانی با ویژگی‌های نمایش «گِل»، در سالن محدودیت‌هایی برایتان خواهد داشت؟**

بله، ابتدا قرار بود اجرای ما در سالن خانه نمایش صورت بگیرد که متأسفانه این سالن قابلیت‌های مناسب را نداشت. صحنه این نمایش باید وسیع و سقف سالن نیز باید بلند باشد، زیرا ما با آب و آتش و خاک سر و کار داریم و همین موضوع ممکن است تماشاگر را اذیت کند. بنابراین، پیشنهاد کردم در یک جای بزرگتر و حتی در محلی مانند یک سوله اثر را اجرا کنیم.

**شما تجربهٔ اجرای این اثر را در خارج از کشور هم از سر گذراندید.**

البته از آن موقع تاکنون، چندین بار نمایش «گِل» را در کشورهای خارجی اجرا کردیم. همچنین به تازگی به مدت یک ماه سه نمایش «گِل»، «هدیه مرموز» و «زمین مادری» را در آمریکا اجرا کردیم که خوشبختانه از هر سه نمایش استقبال خوبی شد.

**استقبال مردم آمریکا از نمایش «گِل» چگونه بود؟**

من این نمایش را به همراه دو نمایش «هدیه مرموز» و «زمین مادری» در سیاتل آمریکا اجرا کردم. استقبال از کار آنقدر خوب بود که نمایش «گِل» به عنوان پرتماشاگرترین نمایش سال ۲۰۰۹ سیاتل معرفی شد.

**با توجه به قدمتی که تئاتر فیزیکال در خارج از کشور دارد، استقبال گروه‌های تئاتری از نمایش «گِل» چگونه بود؟**

باید پذیرفت که کشورهای غربی از نظر تئاتر حرکتی و فیزیکال از ما بسیار جلوترند، اما روح ایرانی که در کار وجود دارد برای آن‌ها بسیار جذاب بود. به همین دلیل با اشتیاق زیادی کار را نگاه می‌کردند و در صحبت‌هایی که با هم داشتیم، در خصوص همین موضوع صحبت می‌کردیم.

**با وجود این‌که تئاتر فیزیکال دارای جذابیت‌های زیادی است، چرا گروه‌های تئاتری در ایران تمایل چندانی به اجرای این نوع نمایش ندارند؟**

عده‌ای فکر می‌کنند دلیل استقبال کم گروه‌های تئاتری از اجرای نمایش‌های فیزیکال کمبود سوژه است، اما به اعتقاد من به هیچ عنوان در تئاتر با کمبود سوژه روبه‌رو نیستیم و حتی خود من از کمترین سوژه برای خلق یک نمایش بهره می‌برم. به نظرم تئاتر ما باید از این بی‌حرکتی و خمودگی خود را بیرون بکشد و گام‌های نوینی را در عرصه این هنر بردارد. ما باید با تکیه بر آنچه که از گذشته داریم، بتوانیم حرف‌های جدیدی بزنیم؛ چرا که مخاطب امروز مخاطب پرجنب و جوشی است. باید بتوانیم با اجراهای مدرن، تماشاگران دلزده از تئاتر را دوباره به سالن‌ها برگردانیم و آن‌ها را با صحنه آشتی دهیم.بسیار مهم است که گروه‌ها بتوانند حتی در عرض چند دقیقه، یک انرژی مضاعف را به تماشاگر منتقل کنند.

**گروه‌ها و کارگردانان نظرات متفاوتی را در مورد کیفیت جشنواره ارائه می‌دهند، نظر شما در این مورد چیست؟**

جشنواره تئاتر فجر بزرگترین جشنواره منطقه‌ای ما و جایی است که تمامی بچه‌های تئاتر دوست دارند تا به هر نحو ممکن اجراهای خود را در آن به روی صحنه ببرند. البته این را هم قبول دارم که از اجراهای جشنواره‌ای انتظار زیادی نمی‌توان داشت؛ چرا که همه چیز با سرعت زیادی انجام می‌شود. چیزی که اهمیت دارد این است که جشنواره نشان می‌دهد تئاتر در کشور ما همچنان زنده است.

**یاسر خاسب را مخاطبان تئاتر به واسطه ساختار پیچیده و فیزیکال تئاترهایش به یاد می‌آورند. او کارگردانی است که سه سال پیش در سرمای استخوان‌سوز تهران، نمایش «گِل» را در بخش خیابانی تئاتر فجر اجرا کرد و امسال با کمی تغییرات در متن و فرم اجرا، با همین نمایش در بیست و هشتمین جشنواره تئاتر فجر میهمان بخش بین‌الملل است. وی در گفت‌وگویی با نشریهٔ روزانه جشنواره دربارهٔ جزئیات این نمایش سخن گفت.**

**استقبال مردم سیاتل آمریکا از «گِل» آن قدر خوب بود که این نمایش به عنوان پرتماشاگرترین نمایش سال ۲۰۰۹ سیاتل معرفی شد**

## مکاتبات خانه‌ها

### رساله بروکیه یا بروک‌نامه

**«ای نامه که می‌روی به سویش  از جانب من ببوس رویش»**

**آن مُبدع فضای خالی، آن سازنده صحنه‌های عالی، آن نشسته بر صدر کارگردانی، آن آشنا به تخت حوضی و شبیه‌گردانی، آن پیر روشن‌ضمیر صورت چروک، شیخنا مولانا پیتر بروک.**

این حکایت بشنو از طرز سلوک
سن او افزون‌تر از هشتاد بود
موی او کم پشت و بر لب خال بود
چشم‌های تنگ و ابروی کمان
هیکلش از شست پا تا فرق سر
کرد روز قصد اجرای تئاتر
گفت خالی می‌کنم من هر فضا
در نمایش‌های من از هر لحاظ
پس نگاه خویش سوی شرق کرد
ساک خود را بست و آمد سوی هند
نسخه‌ای برداشت آنجا هرچه بود
سوی چین و شرق دور آمد سپس
کابوکی را دید و از آن شاد شد
بعد از آن آمد به دنیای دگر
با رئیس هر قبیله گشت یار
دور آش سَرخوشان و سوت زن
از مرام و مسلک آن‌ها همه
از موزامبیک راهی شیراز شد
در حدود کمتر از چل سال از این
از همه اقصای عالم سر به سر
از عراق و چین و یونان و یمن
جملهٔ بازیگرانش خارجی
جمله‌شان در کار بازی سرشناس
آمد و روحوضی ما را بدید
گفت به به، مرحبا، صد آفرین
کهنه‌رندی بود در اطراف او
برد او را در میانِ تکیه
چون بروک از تعزیه آمد برون
مبلغی کف کرد و رویش زرد شد
گفت‌وه‌آبشخوری والاست این
کوله‌باری از فنون و از هنر
نزد خود انباشت با احوال خوش
خوشه‌ای برچید از آثار مَشت
چند سالی پیش از این گفتند باز
لیک او دیگر نیامد سوی ما
رفت و رفت و رفت و رفت و رفت و رفت

در طریق و عادت پیتر بروک
از قضا در کار خود استاد بود
طفلکی در کودکی کم حال بود
رنگ چشمانش به رنگ ارغوان
دائماً بودی فرو اندر هنر
برتر از باربا و اسلین و شبارد
فرم نوآید پدید از محتوا
هست بین صندلی و سن حفاظ
به نسک، آئین و شرح رنج و درد
کرد تحقیقاً نظر آن مرد رند
از سلوک و رقص و آیین و سرود
رفت تا آنجا که افتاد از نفس
در میان آش‌ها او شد نخود
سوی آفریقا نمود او این سفر
با سیاهان کذا شد همقطار
تن رها کرد تا نخواهد پیرهن
کسب دانش کرد او یک عالمه
آمد و اجرای او آغاز شد
آمده یک‌بار او ایران زمین
نزد خود آورد چندین بازیگر
فتنه‌ای انداخت او در انجمن
نیم‌شان از جنس مرد و نیم‌شان هم آبجی
خوش مرام و قدبلند و خوش‌لباس
بعد از آن کف کرد و زنجیرش برید
این نمایش هست این‌جا بهترین
گفت از این بهتری باشد عمو
تا کند کلاً تماشا تعزیه
رفت بر وی حالتی همچون جنون
چون فشارش رفت بالا خود به خود
مرگ من زیباتر از زیباست این
در نگاه و کندوکاوی مستمر
شیوه اقبال او دیوانه کُش
رفت و دیگر سوی ایران برنگشت
خواهد آمد سوی ملک سرفراز
بعدها مختومه شد این ماجرا
رفت او از دست ما چون پول نفت

### بهروز غریب‌پور، نویسنده و کارگردان «اپرای مولوی»:

# اثری دراماتیک از داستان

**در ششمین شب تمرین «اپرای مولوی» در تالار فردوسی، به سراغ بهروز غریب‌پور رفتیم تا با او درباره این اثر گفت‌وگو کنیم. در این نمایش، همایون شجریان، علی پاکدست، بهزاد عبدی، مریم اقبالی، مونا کیانی‌فر، هنگامه سازش، افسانه زمانی و ... همکاری دارند. اجرای «اپرای مولوی» غریب‌پور تا اسفندماه در این تالار ادامه دارد.**

**آیا در نوشتن متن «اپرای مولوی»، از منبع دیگری جز مثنوی و غزلیات شمس نیز استفاده کرده‌اید؟**

تمام تلاشم این بوده که حتی‌الامکان از مثنوی و کلیات شمس استفاده کنم. البته در یکی دو جا مجبور شدم از منابع دیگری هم بهره‌مند شوم. در صحنه پرده‌خوانی، نگاهی به آثار ناصرخسرو انداخته‌ام و در جایی هم به بخشی از غزل حافظ نظر داشته‌ام. منبع دیگر من ادبیات و ذهنیت مولوی است.

**تلاش کردم حتی‌الامکان از مثنوی و کلیات شمس استفاده کنم، البته در صحنه پرده‌خوانی از آثار ناصرخسرو و در جایی هم به بخشی از غزل حافظ نظر داشتم**

**در سروسامان دادن به متن اپرای مولوی عنصر تخیل چقدر دخالت داشته است؟**

فایده تخیل این است که داستان تاریخی مولوی تبدیل به اثری دراماتیک می‌شود. اگر این تخیل نبود، قطعا اثری هم خلق نمی‌شد. من تاریخ‌گوی صرف نیستم بلکه بر اساس یک اثر هنری که مولوی قرن‌های پیش خلق کرده است، اثری را برای اپرای ملی به وجود آورده‌ام. مطمئنا اگر تخیل نبود چنین اثری هم فراهم نمی‌شد.

**مقوله عرفان با سکوت و نجوا سروکار دارد که خود بانی کشف و شهود است. این امر در اجرا نیز می‌توانست مکمل برقراری یک ضرباهنگ دلنشین باشد. چرا در این اجرا نوار صدا از ابتدا تا پایان روشن است؟**

در این اپرا، از موسیقی به معنای متعارفش استفاده نکرده‌ایم. در دو گفت‌وگوی مولوی و شمس، بدون ارکستر و هر سازی، گفت وگو صورت می‌گیرد.

لحظاتی هست که زمان خلوت و ذکر است، ولی مطمئنا در این اثر موسیقایی پاسخ نمی‌داد. پس از پایان یافتن اپرا، کسی که به اثر فکر می‌کند، باید دنبال این خلوت باشد تا از آن نکاتی را بجوید. پیاپی آمدن موسیقی در جاهایی با حذف موسیقی صورت گرفته، ولی با سکوت انجام نشده است.

اصلا این سلیقه من و آقای عبدی بوده است. حالا در جریان کار توجه دیگری خواهم کرد. این اشعار آن قدر قوی است و آدم را آن قدر به فکر وامی‌دارد که لازم است چندین بار آن را دید. به همین دلیل در چند بار دیدن این اتفاق خواهد افتاد.

**به نظر می‌رسد موسیقی سنتی و اصیل تعزیه در خدمت اجرا قرار گرفته است.**

بهزاد عبدی متن را خوب فهمیده و موسیقی متناسب را کار کرده است. آرزوی من این است که اپرای ملی ایران به وجود بیاید. اگر این راه ادامه پیدا کند، آینده روشنی برای اپرایمان می‌توانیم متصور شویم.

**موسیقی دف در اجرای شما مربوط به دراویش کرد می‌شود تا آن چیزی که به سماع قونیه مرتبط است.**

بله، سال ۵۳ من در اجرای نمایش« ساز از درخت پرید»، برای اولین بار دف را که تا آن زمان کاملاً ناشناخته بود، با نوازندگی هوشنگ کامکار به جامعه

# ـــــان تاریخی مولوی

ایرانی معرفی کردم. سماع دراویش کردستان یک سماع ارزشمند و تاریخی است؛ به جای سماع بی‌تحرک قونیه که شاید به نوعی ملال‌آور هم باشد. با بهزاد عبدی بر آن شدیم تا از موسیقی دف استفاده کنیم. سماع دراویش قونیه به سماعی فراگیرتر تبدیل شده است؛ سماعی که نه ترکی و نه کردی بلکه جهانی است.

**رویارویی اولیه شمس و مولانا به لحاظ دراماتیک با توجه به تاکید بر سماع دراویش تصویر می‌شود، آیا این شکل تحول مولانا با سماع کامل زودهنگام نیست؟**

اگر کامل انجام بشود، حرف شما درست است. ولی این‌جا شمس است که سماع را به طور کامل اجرا می‌کند. تردیدهای مولوی به آن، صورت کامل نمی‌دهد؛ بلکه از شمس تقلید می‌کند.

**بچه‌هاوقتی‌می‌گویند شیخ دیوانه شده، با تلوخوردنی می‌توان بر نقص در سماع مولانا تأکید کرد.**

در ششمین تمرین ما هنوز به دلیل ازدحام کاری علی پاکدست و مریم اقبالی از پس ارائه برخی از حرکات برنیامده‌ایم.

مطمئنا تا زمان اجرای عمومی بر این نواقص نیز غلبه خواهیم کرد. تلوتلو خوردن مولانا باید کمی شبهه‌برانگیز باشد تا منطق حرکات نیز در بیاید. او تازه یاد می‌گیرد که چطور سماع کند.

در دیالوگ هم می‌شنویم که شیخ دیوانه شده است، دلقک این خانه شده است. درواقع، باید حالت یادگیری او

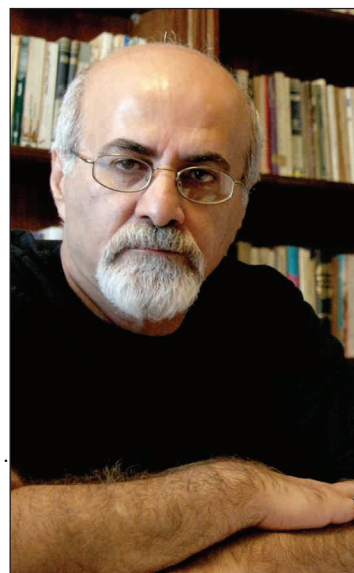

**من تاریخ‌گوی صرف نیستم بلکه بر اساس یک اثر هنری که مولوی قرن‌ها پیش خلق کرده است، اثری را برای اپرای ملی به وجود آورده‌ام**

مشهود باشد.

**آیا چهرهٔ عروسک‌ها و لباس‌هایشان بر اساس مطالعه تاریخی طراحی شده یا تخیلی است؟**

مطالعه تاریخی هم کاملا صورت گرفته است. ما در مواردی سعی کرده‌ایم فانتزی و مقدورات عروسک را رعایت کنیم. عروسک موقعی که لباس‌های سنگین داشته باشد، تحرک ندارد.

موقعی که لباس‌های تنگ داشته باشد نیز تحرکش کم می‌شود. موقعی که شمس با عبای سپیدش در باد حرکت می‌کند، موجودی کاملا زنده را می‌بینید. مونا کیانی‌فر به عنوان دستیار لباس در خدمت اجراست. او قبلا فقط عروسک‌گردانی می‌کرد. این باعث شده تا سرعت عمل گروه عروسکی «آران» بالاتر برود.

**گروه بزرگی شما را برای به صحنه بردن نمایش‌همراهی‌می‌کند، علاوه بر اسامی موجود در کتاب جشنواره، چه کسانی در این کار نقش داشته‌اند؟**

علاوه بر فهرست منتشرشده در کتاب جشنواره، این اسامی در لیست عوامل «اپرای عروسکی مولوی» حضور دارند: علی یاری (دبیر گروه خوانندگان) ، مریم اقبالی و علی پاکدست (طراحان عروسک‌ها)، سینا ییلاق‌بیگی و هنگامه سازش (مدیران صحنه)، تهمینه محمدی (منشی صحنه و مسئول صدا)، همایون صلاحی، غزاله مرادیان و مریم مجیدی (در گروه بازی‌دهندگان)، مهرداد صفی (در گروه کر ایران) /خوانندگان خردسال: نگین موسوی، سارا سجادی، کیوان رحیمی، مانی گلریز، شایان حسینیان، شیوا الیاسی/مربیان خوانندگان خردسال: مستانه حکیمی، گلناز شهباززاده/ بازیگران رادیویی: نسیم ادبی، مهدی مهدیقلی/ اعضای کارگاه ساخت عروسک: علی پاکدست، مریم اقبالی، علی ابوالخیریان، مونا کیانی‌فر، سحر امیراقبالی، قاسم رحمتی. با تشکر از سلما محسنی، همایون صلاحی و مرجان احمدی / اعضای کارگاه ساخت صحنه: هنگامه سازش، سینا ییلاق‌بیگی، فرزانه عاقلی، غزل اسکندرنژاد، نگار میرفخرائی، نسیم امیرخسرو، زهره قانع/ اعضای کارگاه دوخت لباس عروسک‌ها: مونا کیانی‌فر، کاملیا نوحی، سمیه نادری، مریم مجیدی، با تشکر از مهدی محمدی/ امور نجاری صحنه: احمد محمدی، با تشکر از جعفر شکوری و رضا محمدی/ آهنگری صحنه: رضا امینی، آیت نجاتی/ طراح پوستر و بروشور: آیرین غریب‌پور/ عکاس مستندساز: آیرین غریب‌پور/ عکس پوستر و بروشور: محمدرضا سلطانی/ نقاشی پرده نقالی: احسان کریمیان/ امور ضبط موسیقی: خانه موسیقی کیف (اوکراین)، استودیو پاپ تهران با تشکر از استاد ناصر فرهودی/ناظر ضبط در اوکراین: آندری موکریکتسکی/ناظر ضبط و میکس نهایی: حمید آداب/مشاور فنی: جمشید شعبان /مدیر سالن فردوسی: هومن بشارتی/ مسئول هماهنگی: یاسر نوروزی/مسئول روابط عمومی: پیمان شریعتی/ مسئول روابط بین‌الملل: سولماز فاتحی خامنه/ انتخاب تصاویر: هنگامه سازش/تدوین: علیرضا بهزاد، مریم آزاد

# میزبانی بخش‌های بین‌الملل جشنواره با امکانات استاندارد نمایشی

## مجید جوزانی، مدیر تماشاخانه ایرانشهر و خانه هنرمندان:

**یکی از مسائلی که باعث کیفیت در برگزاری جشنواره‌ها می‌شود، سوای کیفیت آثار نمایشی، وجود سالن‌های مناسب با امکانات کامل و استاندارد است. تماشاخانه ایرانشهر قطعاً در بین مجموعه سالن‌های نمایشی کشور یکی از اندک سالن‌های استاندارد است. با مجید جوزانی، مدیر تماشاخانه ایرانشهر و خانه هنرمندان، درباره کم و کیف برگزاری بخش‌های مختلف جشنواره در تماشاخانه ایرانشهر و همچنین خانه هنرمندان به گفت‌وگو نشستیم.**

**تماشاخانه ایرانشهر و خانه هنرمندان در چه بخش‌هایی در برگزاری جشنواره تئاتر فجر مشارکت دارند؟**

فرهنگی‌بودن تماشاخانه ایرانشهر و خانه هنرمندان که از موقعیت جغرافیایی مناسبی نیز برخوردارند، همچنین وجود برق اضطراری، امکانات منحصر به فرد اتاق‌های گریم و سایر شرایط اجرایی در این دو مکان، از جمله امکانات استانداردی محسوب می‌شوند که با توافق‌هایی که با اداره کل هنرهای نمایشی انجام دادیم در اختیار بخش‌هایی از جشنواره برای برگزاری بهتر نمایش‌ها قرار گرفت. با توجه به این‌که دهه فجر زمان جشن‌های پیروزی انقلاب اسلامی است، بنابراین باید تمام امکانات در اختیار برگزاری جشنواره تئاتر فجر قرار بگیرد. خانه هنرمندان طبق رسم هر ساله نمایش‌های رادیویی را در سالن استاد انتظامی برگزار می‌کند. برای اولین بار نمایشگاه عکس و پوسترهای جشنواره تئاتر فجر نیز در این مکان برگزار می‌شود و جزو بخش‌های جذاب و پرمخاطب جشنواره خواهد بود. همزمان رونمایی کتاب‌های مختلف تئاتری و برگزاری کارگاه‌های آموزشی و تخصصی حوزه نمایش در خانه هنرمندان برگزار می‌شود. همچنین در تماشاخانه ایرانشهر اغلب آثار خارجی مطرح بین‌المللی در طول جشنواره روی صحنه می‌رود. چندین نمایش ایرانی که قبلاً در این تماشاخانه اجرا شده و یا در برنامه‌های اجرای بعدی تماشاخانه قرار دارد نیز روی صحنه می‌رود.

**به خاطر امکانات استاندارد تماشاخانه ایرانشهر بود که بخش بین‌الملل در این تماشاخانه برگزار شد؟**

بله، البته ستاد برگزاری جشنواره در این نوع موارد تصمیم‌گیری می‌کند. این نکته مهمی است که وقتی گروه‌ها و میهمانان خارجی برای حضور در جشنواره می‌آیند، در سالن‌های با کیفیت و مطلوبی حضور داشته باشند و بتوانیم امکانات گسترده و خوبی را در اختیارشان قرار بدهیم.

پیگیری چنین رویه‌ای باعث می‌شود که خارجی‌ها متوجه

**همه نگارخانه‌های خانه هنرمندان در اختیار بخش عکس و پوستر جشنواره تئاتر فجر است، این اتفاق برای اولین بار رخ می‌دهد چون تا پیش از این در راهروهای مجموعه برگزار می‌شد**

بشوند سالن‌های مطلوب و استاندارد نیز در کشور ما وجود دارد. خوشبختانه، جشنواره تئاتر فجر امسال به لحاظ کمی از رشد مناسبی برخوردار بوده است ولی تا زمانی که تمام اجراها را روی صحنه نبینیم نمی‌توانیم اظهار نظر درست و قطعی در مورد کیفیت اجراها داشته باشیم. با این وجود، شنیدن نام‌های آشنا و حرفه‌ای در بخش بین‌الملل جشنواره باعث مسرت و خوشحالی است. حضور کشورهای صاحب تئاتری مانند سوئیس، لهستان و انگلستان قطعاً می‌تواند حائز اهمیت باشد و نکات آموزشی مناسبی را برای اهالی تئاتر ما رقم بزنند.

**برای میهمانان و گروه‌های خارجی امکانات خاص و ویژه‌ای هم در نظر گرفته‌اید؟**

خوشبختانه، در کافه‌تریای تماشاخانه ایرانشهر در طول برگزاری جشنواره چتر الکترونیکی فعال شده است و کلیه امکانات مخابراتی (از جمله اینترنت بدون سیم) برقرار است.

همچنین در کافه‌تریای مجموعه، پذیرایی مناسبی از این میهمانان صورت می‌گیرد. در عین حال، فضاهای استراحت نیز برای این میهمانان در نظر گرفته شده که سایر مجموعه‌های نمایشی کشور فاقد آن هستند.

### Jafari, Director of Razavi Khorasan Culture & Islamic Guidance Department

# Khorasan Theater, Bright Future Ahead

Razavi Khorasan province, in northeastern Iran, is home to the holy shrine of the eight Shiite Imam Reza (AS). The province has been active in theater field.

Seyyed Javad Jafari, director of Razavi Khorasan Culture and Islamic Guidance Department, talked about supports extended to the province's theatre groups, a responsibility that falls on the department.

Razavi National Theater Festival is a step taken in this regard. Top plays of the third and seventh Razavi theater festival including "Golden Pigeon" and "A Girl who Saw Khatoune Maghrebi" are taking part in the festival of festivals section of the ongoing Fadjr International Theater Festival.

"We Are From Same Neighborhood" by Reza Saberi from Mashhad is participating as guest in the festival.

Jafari talked about his department in an interview.

**How do you evaluate theatrical activities in Razavi Khorasan province?**

It has been years that theater is being actively and extensively followed in the province. Khorasan is a cultural, historical and civilized province, being active in all art fields. This brings creation in art affairs for the province.

The government has supported software and hardware used in cultural field in recent years. As a result, the quality of theater in the province has improved.

**What are your supportive programs for theater groups?**

Supports are extended in three categories; first backing of veteran and successful theater figures, interested theater groups and adopting a professional approach toward theater. Amateur and experimental troupes are also brought under support umbrella because they are future talents of theater.

"Theater for All" program is also held each year with the cooperation of municipality's cultural department. Public can watch various plays in two theater halls, according to the program.

**What educational and research plans are on your agenda?**

Educational workshops in which instructors teach students are held. The workshops are not run by classic academic methods.

In other word, the workshops are organized on stage. Results have been good.

**How do you prioritize plays for public performance?**

Plays on topics like Razavi and local culture, sacred defense (Iran-Iraq war), martyrdom and sacrifice culture are given first priority. We provide such plays maximum of our supports.

**Privatization tops the government agenda. What have you done in this respect?**

Whole theater groups which gets permit from the department are affiliated to private sector. But the government supports them to help them stand on feet. Therefore, privatization in theater happens considering the backing each group needs.

**How have you been informed of problems?**

A council titled "Theater Coordination Council" is established. All officials involved in theater field are member of the council. The council has 12 members now. One of my advisors is also assigned to attend its meetings.

Other regional and provincial councils are active which their decisions are executed after evaluation.

### Kashanfallah, Member of High Selection Council

# An Undivided Festival

One of the headaches of many festivals is high number of works initially submitted. This huge number of submissions is an extra pressure on secretariat of any festival. The festivals usually solve the problem by dividing their tasks. On the other hand, the juries which usually have a uniform views in evaluation of text stage, face differences when they are reviewing the plays. There is no escape from such differences of views.

The 28th Fadjr International Theater has various sections. A permanent group took the responsibility of picking the works. The members of the group are the same of High Selection Council's. They intended to bring consistency in targets and policymaking of the festival.

Establishment of the council helped the ongoing festival to be more consistent. The problem that a group of experts in charge of selection of submissions considers some plays strong and others weak did not occur thanks to this uniformity. We had witnessed such differences in the past. Such problems had raised doubt over impartiality of selecting experts. The uniformity of the council, however, helped the ongoing festival to stage away from such speculations.

The task was divided in a way that the council had same members in different groups in charge of selection of submitted works. In other word, at least one or two members of the council watched the works along with selection groups. This is reason behind consistency in selection of participants in the festival. We do not see weak and strong works besides one another. I hope this procedure would continue in the future.

## "Arghavan" by Ahmad Iranikhah

# Narration of PoWs

Ahmad Iranikhah is a young performer and director. He founded Experimental Theater Workshop in 1993.

Iranikhah staged works of Maliheh Moradi Jafari (his wife) in recent years, taking strong steps in the theater field.

"Arghavan" narrates the story of a woman who is seeking to find writer of novel which is similar to her life story.

On the idea of the play, Iranikhah said that we work together, meaning an idea may reach to his mind and his wife writes it like that of "The Secret of Aquarium of Mr Jean."

But the idea of "Arghavan" occurred to Mrs Moradi herself, he added, terming the play new.

Iranikhah believed that the play has a mythological structure but its difference is the dual langue the writer has used. It has both formal and colloquial language.

The language is the first thing the audience is being attracted to the play, he said, adding that the other attractive characteristic of "Arghavan" is that it happens in mansion.

"The writer has thought how to tell the story of female prisoners of war sweetly for audience not to back off."

## "Mud" by Yaser Khaseb

# Encounter With Water, Earth & Fire

Iran theater goers know Yaser Khaseb for complicated and physical structure of his plays. He is the director who staged "Mud" three years ago in the wintry streets of Tehran for street section of the Fadjr International Theater.

The play is the guest of the 28th Fadjr International Theater Festival after some changes in text and performance.""Mud" was created three years ago in our workshop's rehearsals. We could have mud during our outdoor rehearsals," he said, adding that the group had to make changes during indoor rehearsals."Most theater movements date back to my childhood when I did physical and spiritual movements," Khaseb said. "Mud" is a physical theater, being conveyed to the audience only through body movements.

"Mud" is description of situation that a man tries to create a new thing, ignoring the fact that his creation may finally lead to his change. The play tries to depict this difficult and complicated physical and emotional condition.

The audience would finally understand hardships a simple labor tolerates to do his job.

Khaseb has performed the play in foreign countries for several times.

He has recently staged "Mud," "Mysterious Gifts" and "Mother Land for one month in the United States.

"Mud" was named by Seattle Outdoor Theater Festival in 2009 as the play with the highest number of audience.

## "Entrance Fifth"by Rasoul Naqavi

# Hero, Searching One Not Born

Rasoul Naqavi has started career as director, performer and playwright in 1989. A student of educational management, Naqavi has participated in numerous theater festivals since 1999. His last play "Three Volume" was staged in Mowlavi hall recently.

"Entrance Fifth" is participating in panorama of Iran theater section. It tells the story of an urban hero seeking for his successor. He tries people of the city with the assistance of his family. The hero finds out that the people are not ready yet to be his successor.

"The play moves ahead based on the "jealousy" theme and pursues emotional challenges of people," said the director.

Therefore, the people gathering to choose the next leader should reach belief. The hero, Naqavi said, is symbol of a current intending to spread justice and goodness.

A group which sees its interests at stake creates obstacles.

These hurdles cause many incidents happen.

"By the way, it is true that we have chosen a special period of time for narrating the story, but the accounts do belong to any time," Naqavi noted.

## About «Pazzi» from Swiss

# In search of God

This creation was inspired by the life of Marie Madeleine de Pazzi, holy Florentine whose written, mysticism and spirituality strongly influenced the Florence's XVIIe century.

Pazzi describes the life of an inflexible and fascinating woman who dedicates completely herself in search of God. To reach this goal she will have to transcend her body, break her faiths, even exceed her humanity. No discovery will be possible without crossing its physical and moral barriers, without achieving this crossing, this rite of passage which allows to sublimate the nature of the human being. Marie Madeleine de Pazzi is the symbol of this search of absolute.

In the universe of Pazzi, the verb «to have» was definitively banished, only the verb «to be» finds its place. Pazzi, a ow ode to the marginality

In 1970, André Pignat, the director of "Pazzi" started classical piano at the conservatory and jazz. In 1991, he earned a degree in human geography and economics at the University of Geneva. He became a founding member of the Society Interface in 1990. He signed many musical creations (Aida 2000, Human Nature Co. for Bruno Verdi, bats and the Giants of the Mountain for Jacques Gardel, for Liliane Co. Hodel, for Jean-Luc Borgeat ... and obviously for Company Interface). Pignat also signs all staged Company Interface.

## About «petty Dreams»

# All about a Dummy

«Petty Dreams» is a play about the dream of one of Latin-American cities; it might be Maracaibo.

According to this dream، the city is body dismantles and receives from itself life in an independent way, artifice and humanity. The market of it invades the streets in which there is everything to sell, like the iguanas that a boy loads tied one over the other.

The heat is unbearable, which does not prevent that there rots what it was a dog knock down by the cars. In the flat floor, million of lids of bottles of beer squashed bewilder the taxi driver of dark lenses.

There are so many people, so many death, so many trinket, so many under wears in manikins without heads. The irrational thing, the opposing emotions, the unusual animal, the dismantled body, I fly as a puppet, tangled in my own imagination, a Dummy.

«Petty Dreams», directed by FRANCISCO DENIS has the National Dance Price of Venezuela in 2007.

Denis is the actor and theatrical director of Rio Teatro Caribe in Venezuela. He initiates his studies with the group Malayerba of Ecuador where it he takes part for six years in several plays and Latin-American festivals.

In 1989 he travels to France and realizes studies in the International School of Theatre of Movement Jacques Lecoq. After then, Denis joins to the company Philippe Genty, taking part in several tours and international festivals about the world until 1994.

## Theater Market, the Last Day

# Iran Art & Culture Fans Bid Farewell to Market

### 200 Works Exchanged

Iran's first theater marked closed yesterday.

The market hosted international groups from across the world، including China, Britain, Poland and Denmark.

International groups were warmly welcomed the market on its last day, visiting its 46 pavilions.

The international groups exchanged information with Iranian peers during the five-day market. The market served as a venue for raising their knowledge of the eastern culture and art.

Contrary to their earlier image of Iran, they expressed surprise after watching Iranian works.

Over 200 DVDs were given as a gift to international groups visiting 46 pavilions of the market during the past five days.

The market should be valued as a golden opportunity, capable of breaking the cultural borders.

Mohammad Atebbaei, international director of the festival, exerted its last-ditch efforts to have a thorough assessment of the market. Visitors were asked to fill opinion polls on the market. The poll would give organizers a better view of shortfalls of the first market.

### Farewell Party

A part was held in Hotel Ferdowsi to celebrate closing of the first market. It is while the participating groups had requested for extension of the market. This, however, was not possible due to intense programs of the festival.

Hossein Parsaei, secretary of the festival, put the number of requests by international guests for Iranian plays at 100. Final decision would be announced when talks were finalized.

Atebbaei said that theater market is as stage for the country's to move toward independence and privatization.

# 18 Books Unveiled

Publishing center of the 28th Fadjr International Theater Festival unveiled 18 books published on the occasion.

Hossein Parsaei, Mohammad Heidari, Javad Afshinnejad, Mohammad Hossein Dashtegoli attended the ceremony yesterday.

Parsaei, director Dramatic Art Directorate General and secretary of the festival, expressed gratitude to Naserbakht, director of Namayesh Publishing Office and director of publishing center of the festival.

Terming as important conducting researches for production of plays in the directorate, Parsaei said that rise in practical researches was a positive event for the office.

The secretary expressed his satisfaction over the graphic and designs of the cover of these theatrical books.

"Due heed must be paid to regional dramatists, equipping library of City Theater Complex and international field," Parsaei said, calling on Naserbakht that at least four books in the international field should be published by his office.

"Contemporary Iran Theater 2010" is a book including essays wrote by theater researchers to introduce the country's theater, he said, adding that the book would be sent to ITI.

Meanwhile, Naserbakht said that inclination among private publishers to publishing theater books is on the rise.

"We tried to publish books on diversified theater subjects," Naserbakht said, adding that improvement in quality of books would be targeted this year.

A new generation of Iranian playwrights is emerging who are too sensitive toward surrounding environment, Naserbakht noted.

Javad Tolami was named as new director of the library of City Theater Complex.

# Kianian Backs Regional Theater

Stage and cinema actors Ali Omrani and Reza Kianian watched "Cellar" in Namayesh (Theater) House last night.

The play, hailed from southern city of Shiraz, is directed by Nastaran Azad.

Kianian said that works of young artists from other cities should be watched despite that the Fadjr theater and film festivals are being held simultaneously, Namayesh House Public Relations Office said.

The two artists expressed satisfaction over play.

# THEATER

The 28th Fadjr International Theater Festival

January 2013